

بدرخواهد شد. همان قسمی که ماما قشون انگلیس را از افغانستان راندیم ایرانیها باید قشون روس را از ایران برانند، ورنه هم مال خواهند داد هم جان و هم استقلال، وان وقتی خواهد بود که همین رجال بزرگ و اعیان کبار و امرای عشایر باید صاحب منصبان روس را شباه در خانه های خودجای داده علی الصبح آب حمام برای آنها گرم نمایند، همین روز سیاه را ما دیدیم تا برگ غیرتانه خورد، از جان گذشته گوی سعادت و استقلال بودیم.

آه! آه! آه! که این عبارات از پیش خنجر تندرست که بر جگر غیرتمندان اثر نماید، ای امرای عشایر جنوب مکرر این لایحه را بخواید، اگر باز طالب فناء و اضمحلال اسلام هستید چه ضرر دارد، ای علماء ایران ای طلاب غیور عتبات عالیات، ای کسانی که عبا و کاسه خود را فروخته اطافه فراهم آوردید شمارا بترتت باک مظهر حضرت گلگون قبای عرصه نینوا میخوانیم تمام علماء را بهیچان آورید، بیاید خانه و فرزندان ما را بفروشید، هموم ملت ایران را حرکت و بیدار نمایند، قدوسی غیرت و خون پاک بمحطه جنوب بفرستید، خیلی از صاحبان القاب حتی بعضی ناموس ما که فلان الاسلام و بهمان دیوان اقب دارند حاضر شدند که آب حمام بمحطه روس ما گرم نمایند، هنوز بعضی ملامان که دید و باز دید با روس ها و غیره دارند خود را از حلا سپرده و تابع آنها میدانند که وقتی مستمری و وظیفه در حق آنها مقرر شود

ای دو صد لغت بر این قوم بی ناموس باد، یک میلیون لیره در یک شهر کوچک ایران امکان دارد فراهم بیاورند، چهار سال است ایران را مفتضح نموده می کنند گوی قرض خارجه و داخله در بیان است در هر شهر مبالغی بنامی چهار بیج ساله هست، کوفت بخورد ارباب حقوقی که دولت و ملت و دین آنها در شرف زوال است که دعوی مستمری و وظیفه دارد

(سردار زاده میثوبید)

ایران ما میخواهند قشون بیگانه را بحرف های نرم یا چاپلوسی و یا به تشرخشک و خالی ازخانه خود بیرون نمایند، اگر بیداری و سیاسی شناسی این است که ایرانیها در این یک و نیم سال در مقابل

اجحافات قشون روس ابراز دلخواه اند خوشا بجهالت و خواب افغانها، گویا بکلنر با سیاست در ایران نیست که حقیقت بولندیک را باورایان حالی نماید هر قدر ایرانیان صبر نمایند بندهای اعزازت خود را سخت تر کرده اند، معلوم میشود ترفیاتی هم که حبل المتین از ملامهای شیعه نموده همان اغراقات شاعرانه است که از یک قرن مابین طرف ایرانیان را محو افغانی نموده است، ما وقتی حال ملامهای ایران را می بینیم علمای افغانستان را بوسیده بر مره بگذاریم که در حفظ بیضه اسلام از جان و مال دریغ نمایند و وقتی خبر حرکت علمای نجف برخلاف روسیه اشاعه یافت علمای ما در حایه آنها قورا مستعد رفتن بایران شدند و وقتی که معلوم شد آن خبر هم لفاظی بود همه سرد گردیدند.

جواب این مطلب را تا آخر لایحه باید علماء اعلام و حجاج اسلام و طلاب ذری العز و الاحترام بفرمایند و ایشان عبرت بگیرند، علماء و طلاب ایران محدودی زنده باقی مرده اند، در اینکه در اول لایحه اعتراض برخبط و خطای دولت انگلیس نموده که با مقاصد روس همراهی دارد، بی هر وقت دولتی باعلی درجه ترقی سیاسی و ضرورت آن دولت را مبتلا نمود اسباب زوال آت زودی فراهم می آید، دولت روس تمام شرق اقصی و دولت شمالی و آسیای وسطی را حق خود میدانست قسمی ضرور او را احاطه کرده بود که هر چه ژاپون پروتست می نمود جواب نمی شنید، زیرا که ژاپون را قابل نمیدانست که اقوال آنها فعلیت داشته باشد، چنانچه همین حالت امروزه ایران را قابل نمیداند، غنیمت عالم و خواست خداوندی که در هیچ مورد کار فرماست که او را کوید و دماغ او را بچاک مالید، از تجارت و سلطنت شرق اقصی محروم ماند، بعد از مشروطه شدن عثمانی بقدری دولت روس برین مان شده که بعضی اعتراض سلطان عبدالحمید بر مجلس شوروی و عزم او به انهدام مجلس وجد و سرور در آحاد و اقراء روسها پیدا شده، در مشهد مقدس یکی از رجال آنها میگفت، محال است مسلمانان هرگز صاحب دارالشوری یا مشروطه گردند. و عکس بلوائی ها را بنمایانند، لکن بحمدالله رجال با کفایت دانستند دولت عثمانی تمام اعتراضات را در مقابل

توسعه اصلاحات شده، امیدواریم روز بروز به ترقیات
بقی العاده نایل گردند.

بعضی رجال انگلیس در این موقع حریف بزرگ
و مدعی قدیم هندوستان را مایل بمعامله و
دوستی دیده رجال سیاسی روس بقدری محبت
و دوستی روس را در نظر آنها جلوه داده که نام
بزرگ انگلیس را در تمام روی زمین که هواخواهی تمدن
و انسانیت اشتها داشت به هدم تمدن واستبداد خواهی
و معاوت ظلم نام آور عموده بدانند قرضه و حمایت
همراهی و تسهیلات و تصرفات نامشروع روس نن داده
ها قریب در تحت این شمر خواهند آمد

(یکی بجهت گرگ می پرورید)

(چه پرورد شد خواجه را پرورید)

متجاوز از چند قرن است که همیشه نعمت های
هندوستان مطمح نظر روس ها در خلیج فارس
طالب بندر و دریای عمان بوده مبلغ ها دولت باسم
کبابی تجارتی خرج کشتی های روسی نموده متدرجا
برعهده آنها افزوده خیالات روس محدود با ایران نیست
روسی ایران مدتی است با اعتقاد خود خریده مقصود اول
او هندوستان، دویم افریقا میباشد، چه دولت انگلیس
آبچه در خور محافظه هندوستان بوده عمل آورده
لاکن قشون انگلیس ممکن نیست چه از حیث عدد
یا شجاعت بتواند مقاومت با روس نماید، روسها
مخالفاً چون بندر عباس قنال هندوستان است بجهت
مخرض آمد انگلیس و قریب آنها که ما پای بند معامله
هستیم قونسول عباسی را هم برداشته و حال آنکه وکیل آنها
کار قونسول را بهتر میکند، تمام عملیات جهازات
تجارتی روس جنگی میباشد چه کشتی های تجارتی
نیز در معنی دولتی است نام تجارتی زهاب و ایاب دارند
انگلیس ها خیال میکنند که مع السجالة تا مدتی
از هجوم روس بر هندوستان و رقابت فوق العاده که
هر روز باید رعشه بر اعصاب شان افتد آسوده
هستیم ترقی ایران و افغان برای هندوستان خطرناک
است، نقشه انگلیس این است که ایلات جنوبی فارس
را متدرجا مثل بلوچهای مکرانات محبت کرده آنها را
مثل افغانهای آفریدی و وزیروی در مسلک نوکری
آورده چون سب و مان و دیانت ندارند همیشه بجهت
پنخون ابناء جنس خود آورده می نمایند در اطاعت
ها حاضر میباشد هم ممکن است در جلو روس اگر

وقتی معامله را بهم زنند سدی شوند و هم باعث
خسرابی و زوال ابراهیم گردند، مسلم است با
اسلحه و ذخیره معتبر بر سایر ایلات غلبه دارند و
به يك اشاره ما برؤسا و رؤسا آنها تمام جنوب
ایران را غارت می نمایند، از آن طرف اعالی سرحد
بلوچستان الی سیستان که همه جنگی و کوهی هستند
و محل آنها قابل همه قسم استعداد است آنها را نیز
تربیت کرده و مکرر امتحان شده که بلوچ ها دین
آنها پول است، زیرا که قشون بلوچ و فوج مسلمان
آن را مأمور کلات در هنگامه خدا داد خان کلات
نموده باوجود توافق مذهب جنگیدند، تا مدتی که
روسی جبران خسارات شرق اقصی را در نظر دارد
ما تدارک آسیایی وسطی را عمد کمال دیده حدود
خود را محکم نموده ایران نیز ملوک طوائف خواهد شد،
این است سبب فرستادن مأمورین و صاحبان مناصب فارس
اگر ایرانیان امنیت بدهند از قشون بلوچ و سرحدات
آسوده میباشند، چرا که دولت ایران چهار سال
است هیبه بلوچستان را وا گذارده خيال امنیت
ندارد گاه در تحت خود انگلیس است واحیاناً اگر
هم بخيال افتادند آن قدر محذورات به تراشند که
ایرانیان چشم به پوشند و قدیم دولت متمدن
دوست نما نمایند

پس امروز علاج چیست؟ اگر ایرانی طالب استقلال
ایران است اگر غیرت دارند اگر نام نیک میخواهند
اگر مسلمان هستند باید بهر وسیله نفاق را ترک
نمایند، يك دینار قرض از خارجه نخواستند، بفتوای
تمام علمای اسلام يك سال تمام موقوفات ایران را
که متجاوز از چندین کرور است با وجود انجمن
های معتبر که از اشخاص با دیانت تشکیل می یابد
جمع نموده تمام مالیات ایران را بدون اینکه حیف
و میل شود وصول نمایند، قشون کانی مرتب نمایند،
قشون دوسرحدات بگذارند، علمای ایران در صورت
عدم دخالت روس با علمای سایر ممالک اسلامی چه
افغانستان چه عثمانی چه ترکستان برای حفظ بیضه
اسلام در تحت کله طیبه همراهی شده سر پا بحریف
و دشمن اسلام زده، مسلم است آتش این بلوای ملی
و اتحاد مذهبی در ترکستان بکدفعه مشتعل خواهد
شد، اترک نیز نباید بی غیرت باشند، مسلم است قفقاز
را نیز بهیجان خواهد آورد، همینکه دشمنان اسلامیت

را خارج نمودند برادر وار در مقام اصلاحات ملکی
بر آمده فوراً با افتتاح مدارس اجباری بکوشند، معلم
از مصر و ژاپون و عثمانی و آمریکا جلب نمایند،
جه افغان یا ایران مملکت اسلامی را یک ملت دانسته
مردم را یکدیگر از جان و مال دریغ ندارند، حامیان
کفر را از میان بردارند و الا با این غنا که هر روز
به تحریک مدعیان بطمع خام یکدیگر را قارت کرده
قتل نمایند دولت ایران بطریق المینی منقرض خواهد شد
شاید چهار روزی اشخاصی را که فریب خورده
در معنی روس و انگلیس پرست میباشند بر سر کار
دارند، همینکه خزانها از پیل گذشت اول کسی را که
تا بود می نمایند همان اشخاص خان بدعات است که
ریشه دین و وطن خود را کنده هوا خواه خارجه
شده اند

اتحاد ملل اسلامی مربوط بدولت نیست ~~که~~
بمعاهدات آنها بر خورد، امروز ملت افغانستان
میتوانند ترك خرید امتعه خارجه را نمایند، مردم
هندوستان یعنی بنگاله مدنی ترك خرید و تجارت
تخواه لندن را نموده ضرر کلی بر کارخانجات لندن
زدند، ملت ایران از عدم غیرت و جهالت بکلی از
حرکات روس در ایران منسار نشده هنوز تخواه
نهیس کثیف آنها را میخرند، قند مارسیل و قند
امریکا در صافی و پاک ده درجه بهتر از قند کثیف
روس و قند متعین رنگین اوست که قند را با
استخوانهای اموات تصفیه می نمایند، اگر باور ندارید
اینک اعلان یکی از کارخانه جات و وکیل کارخانه
قند سازی مقیم هندوستان موجود است که انجمن طلب
را مدلل داشته مدعی است که عمده جات کارخانه ما
مسلمان و از استخوانهای مردار اسباب و سایر
حیوانات حرام گوشت احتراز می نمایند برخلاف
کارخانه جات روس که حق استخوانهای مرده های
انسان را نیز بی ملاحظه استعمال می کنند، و همین
سبب بود ~~که~~ آیه الله میرزای شیرازی قدس سره
از استعمال قند روس اجتناب فرمود جای غیرت
مسلمان خالی است

در بعضی شهرها رؤسای دوائر بقدری فشار
بر مردم آورده که مردم ذی شرف نیز بناهنده
خارجه ها شده، امروز ملت ایران بواسطه جهالت

تقصیر ندارند تمام خرابی از رؤسا میباشد
فردی های ایلات از رؤسا میباشد، تمام خرابی قشون
از رؤسا میباشد، هر شخصی جوی دزد را حامی شده
قوه خود قرار داده شاید بجهت راه گم کردن
مال خود آن رئیس را هم میبرد، امروز قول سردار
افغان و ایرانیان هو فضالی شده بحرف میخوانند
روس را خارج نمایند، طبع لفاظی نمری ندارد نصیحت
میخواهد باید برای نجات ایران و تهیه قشون و
افتتاح مدارس و جلب مستشار خارجی از تمام مرد
و زن ایران به قنوت غنی و قنوت غنی تا ده تومان
گرفت اگر ده کرور در این قیمت زیاد تر نباشد
باین اصول صد کرور مهیا می شود خود اهالی نشسته
بطریق اعتدال معین نمایند و ادای این وجوه را واجب
فانند بدون لحظه تأمل علماء اسلام حکم بر وجوب
آن صادر فرمایند، چگونه واجب نباشد که بیضه
اسلام ناموس ایرانیان شرف آنها استقلال آنها در خطر
و در شرف زوال است، تمام موقوفات را یکساله ضبط
نمایند تمام حقوق مفت خورها را یکسال نهند، در
هر شهر ده نفر تاجر معتبر متدین انتخاب نموده
خواه مسلمان یا فارسی این وجوه را با آنها بسپارند
مامورین مخصوص برای تهیه قشون و اسلحه مامور
فرموده باطلاع و سوابد انجمن های ایالتی و ولایتی
و انجمن تجار که وجه با آنها سپرده می شود خرید اسلحه
و ذخیره و توب و تفنگ نموده قشون که برای حفظ
ایران و امنیت بلدان لازم است، جوانان جنگی انتخاب
نموده بلافاصله لباس داده مشغول مشق سازند، دست
مشت خوران متقلب را کوتاه کرده سرباز پیر و
طفل و سوارهای دزد بی ناموس و سرکرده گان
بزمی را بکلی قبول نکرده در دو ماه قوه قشون
ایران را امنیت داده تمام مایات را وصول نموده
باخراج اغیار بکوشند، راه نجات و نصیحت این است
نه قرض از خارجه

هر وقت ابرار دارای صد کرور دو بیست
صد کرور پول شد هیچ دولتی قادر نیست بگوید
مستشار از فلان دولت نیارید، ممکن است قرض
خارجه را داده جایش ملت را خلاص نمائیم،
هرگاه خاسته باشیم باز بحرف های منت خود را
خوشحال نمائیم فرداست که محمدعلی را با دو هزار
سه هزار سوار ترکمان بایران فرستاده آنوقت حل

شماها معلوم است محتاج بذکر نیست، در کابل باید وکیلی برای اخبارات ایران معین کرد که از حال یکدیگر واقف شده اشخاص صلح جو که دو تهمیب و اتحاد اسلامیان بدلولی دارند مامور نموده، ملت افغان و علمای آنها که امروز حاضرند برای همراهی شما ما درس محبت و آشنائی داده قوت بازویی یکدیگر باشند، اتفاق ما میتواند مردم خبوه و ترکستان را بیدار نمایند، آنها نیز اگرچه اسپرند لا محاله از افشاندن تخم نفاق اعیان واقف سازند اگر ملت آنها قوه اتفاق ندارند لا محاله بخوبی یکدیگر بخیر نیالایند، ملذات بعضی ایرانیان بی ناموس که اسباب پیشرفت مقاصد خارجه میباشد شده جنگ مذهبی را متارکه نمایند، همچنین بر علماء ایران است که جمعی را باسلامبول مامور نمایند، حاصل آنکه معنی جهاد فی سبیل الله امروز همین است که مسلمانان روی زمین بیدار شده تمام بافتای از تجاوزات دشمنان به بیضا اسلام جلوگیری نمایند و در تحت کله طیبه مبارکه (لا اله الا الله - محمد رسول الله)

اتفاق نموده تمام مسلمانان روی زمین را برادر دانسته هم مربوط باشند، شکر الله که امروز دولت عثمانی و علماء بزرگ ایران و اهالی افغانستان که اصل قوه اسلامیت است برای این اتحاد حاضر شده عما قریب سایر ملل اسلامی بطایل وجود آنها متدرجاً در دایره اتفاق برمی آیند، اهالی هندوستان و مسلمانهای هند تابع اوامر علمای عثمانی میباشند و سلطان اعظم الشان را اولی الامر و خلیفه رسول خدا میدانند، علیحدگی بلوچستان هم قصور از علماء ایران است و آنها حاضر برای اتفاق میباشند، مگر معدودی دزدعای سرحدی که بدین بایبندی ندارند عبد دینار، میباشند هر کس باها پول داد برای ترک مذهب نیز حاضرند تا جوسد بجنگ وجدال، شیعه آنها دزدی است مثل بعضی ایلات فارس که همداً امروز تحریک خارجه صحنه جنوب را خراب کرده تا این جور پروتست بایران نمایند (وطن پرست ایرانی)

مکتوب از سیستان

(اوضاع ولایتی)

چندی است که جمعی از رطابای مالداران قائلان که تا بحال قریب دویست هزار تومان اموالشان را

دزد های بلوچ و افغان بسرقت برده اند چون کسی بمرض شاف نرسیده است به سیستان آمدند و مستقیماً باولهای امور از اجحاف کارهای بلوچ و افغان نظم کنند باوجودیکه اموال این بچاره گان سرقت شده است و بعلاوه مال جمعی از ایشان مجروح و مقتول گردیده اند مع ذلک در عوض همراهی و معاونت کاند های چندی از مالدار های مال رفته بزور چوب گرفته شده که بطلان مسئله سرقت را ثابت نماید

ما کار بحکم ندایم که چرا بر خلاف قانون و وظیفه خود حرکت نمیکنند و در لباس میش کار گرک می نمایند تمام اعتراضات باولهای امور مان است که با وجود نظم تلگرافی که مالدار های باولهای امور از سرقت اموالشان کرده اند جواب میدهند که عرایض شما مسوع نیست مگر تحقیقات خفیه بعمل بیاید، سبحان الله معنی تحقیقات خفیه در این مورد هیچ مناسبتی ندارد غیر از اینکه فرض کنیم که مقصود از تحقیقات خفیه اطلاع دادن بهمان حکام است که در عوض این خلافی که کرده و جمعی بنیوان یادگاری برای جبران خواهد داد یا خیر

بچاره ملت ایران که نمیدانند از دست که بنانند و شکوه بدرگاه چه شخصی برند، مالشان در مرض نهب و غارت جانشان گرفتار مردمان با شقاوت عیال و اطفالشان در حال فلاکت و بیماری خودشان گرفتار غربت و آوارگی، نخب ملت قایمات که باوجود تمام این تفصیل متشبت بکنایه آنها را بخود میخواند و بطرف خود جلب مینماید نمیشوند، سبحان الله از ایما و اشاره گذشته واضح و آشکار بیان میکنند که شما ما بیاید بقولسول خانه تا کار شما اصلاح شود، خدایا آیا این مردمان فقیر همیشه بدین عزم ثابت و یابن خیال راسخ خواهند بود؟ لا والله، افق سیاست ملت قایمات خلیلی رو بتاریکی و انحطاط گذارده است، مشهور و آشکار است که عما قریب نصف ملت قایمات در قولسواخانه روس یا انگلیس خط تبیت خواهند سپرد و کارشان هم اصلاح خواهد شد، آنوقت ما وطن پرستان دوزخی از دموکرات و اعتدالیون و مجدد پرورها خواهیم نشست و کف ما

اظہار تاسف از این حرکت خواهیم کرد کہ واقصاً جناب آقای فلان این حرکت از وظیفہ وطن پرستی خارج بودہ بالاسباب گویا کار ما ملت و بزرگان وطن مان منحصر شدہ است بر اینکہ اساسی مختلف بروی خود بگذاریم ، آخر چہ فایدہ از تمام نوع برست ما و مشروطہ خواہ ما و قانون طلب ما و اعتدال و دموکرات کہ هیچ کدامش مضر نمری و منتج نتیجہ بحال این ملت محنت کش ایران نیست .

ای آقایان و کلاہ چہ فایدہ از قانونہائی کہ شاہا وضع میکنند باشما ، ماں کہ ایجاد میکنند در صورتیکہ ملت فلک زده ایران نزدیک است مضمحل شود . ما فرض میکنم این امالی ملت ایران نیستند تصور میکنم سهم و شریک در این آب و خاک نمی باشند ، آیا از نوع ما انسانها مودی مخرب دین و ملت و وطن هم نیستند ؟ تا کی این ملت بچارہ وا گرفتار اغراض نفسانی خودمان باید کرد ؟ تا کی براسی یک حلقہ انگشتر الماس کہ شش ہزار تومان قیمت دارد باید طرفدار فلان حکومت شد ؟ خدا شاهد است کہ اہللی خبلی در زمان حکومت سابق آسودہ تر بودند مال و اموال شارا دزد های بلوچ و افغان جرئت سرقت نداشتند ، حالا ہم اگر میخواہید جلو تجاوزات افغان و بلوچ گرفته شود تغییر صحیح در حکومت بدهید تا مردم آسودہ شوند یا اینکہ حکومت موجودہ را مجبور کنید کہ جلو تجاوزات را بگیرد ، سبحان اللہ چرا از حکومت سؤال نمیکنید کہ تا بحال دوہست ہزار تومان مال اہالی سرقت شدہ است ، چرا اقدامی در استرداد مالایہ مسرووقہ نکرده اید ؟ چرا اسباب تامین این بچارہ ها را فراهم نمیکنید ؟ پس این چہ حکومتی است سکہ دارد ، حکومت شما کہ فقط براسیہ چلبیدن مردم نیست خودکام مال ملت را میباید بجایید ، اقلان جلو تجاوزات پیر را بگیرد بہ منتقم حقیقی و قادر علی الاعلاق قسم است سکہ عمأ قریب دست قدرت پنهانی از اولیای امور محض و اشخاص منہ سخت انتقام کشد و دعای نیم شبی این ملت بچارہ ہم سخت تر

(ادارہ حکومتی سیستان)

حکومت سیستان با کمال جد و جہد در نگاہداری

امنیت کوشان است و با قوہ شخصی خویش تجاوز کاران را قلع و قمع مینماید وجود حکومت عالیہ امروز در سیستان در حکم الامم فی الامم است اگر چنانچہ یک ماہ از کار کنارہ گیری نماید پل سیستان آل طرف آب است ، ولی جای تاسف است کہ اولیای امور برایش حکومت و مامورین کہ در خصوص ریخورم قشون سیستان و بعض نواقص دیگر عرض میکنند گوش نمیدهند و تمام با اقدامات مجددہ میکنند

آوخ کہ بواسیہ درد پنهانی ما
افسوس سکہ چارہ بریشانی ما
در دست کسانی است کہ بنداشته اند
آبادی خویش را ز ویرانی ما
(ادارہ کار گذاری)

احتشام ہمپون از بدو ورود تا بحال در صد اصلاح نواقص کار گذاری بر آمدہ و تا اندازہ موفق شدہ است ، خداوند این نیت خالص را تا آخر در ایشان بر قرار دارد بر عکس کار گزار سابق کہ مرعوب اجانب بود این کار گزار با کمال جدیت برای حفظ منافع رماہای ایران کوشان است -

(ادارہ قشون)

قریب شش ماہ است کہ آقای امیر نظام وارد سیستان شدہ و هنوز منتظر آمدن فوج قران هستند کہ قشون سیستان را منظم کنند هیچ فایدہ از وجود این شخص تا بحال برای قشون سیستان باید نشدہ است ، از قراریکہ میگوید دستور اصل صحیح برای ریخورم قشون سیستان باو دادہ نشدہ و ہمراہی از مرکز نمیشود در این صورت تقصیر این بچارہ چیست

(دواڑ تلامہ)

میرزا رضا خان از زمان ورود با نہایت حسن سلوک با مردم رفتار نموده و ادارہ خود را بر قرار کرده و تا اندازہ مرتب شدہ است واقصاً اولیای امور باید از شخص حکومت کمال امتثال را داشته باشند کہ در پیشرفت امورات دولتی کمال ہمراہی را دارد ، انجمن ولایتی بمقداد وجود ندارد

(مدرسه خیریه)

از حسن اقدامات مصارف پرورانه امیر محمد رضا خان سرتیب اطفال مدرسه خیریه امتحان شش ماهه خود را با کمال شکوه از دروس ذیل دادند فارسی - نریجات - حساب - جغرافیا - مشق پیاده نظام سپس یکی از شاگردان خطابه مفصلی تقریر نمود که تشکر از زحمات امیر محمد رضاخان سرتیب بود. واقعاً معظم له در باره این مدرسه کمال معاضدت و همراهی را فرموده اند، خداوند این قسم وجودها را در مملکت زیاد فرماید، آقایانی که در امتحان حضور داشتند اماه ذیل را مرحمت فرمودند

- | | | |
|--------------------------------|-------------------------|-------|
| اسماء آقاییان | امامه | تومان |
| آقای حشمت‌الملک | ۱۳ | تومان |
| آقای احتشام هاپون | ۱۰ | تومان |
| آقای امیر نظام | ۱۰ | تومان |
| آقای میرزا علی خان رئیس تلگراف | ۵ | تومان |
| آقای شبخ الاسلام | یک خروار گندم وزن تبریز | |
| آقای سردار علی جان | ۵ | تومان |
| آقای حیدر علی خان | ۵ | تومان |
| آقا سید عبدالحی | ۵ | تومان |

آقا میرزا عبدالله خان یک اطلس نقشه بزرگ ایران
 تلگراف حضرات آیة الله نجف اشرف
 توسط نعمة الاسلام آقا میرزا حسن سلمه الله تعالی
 وزارت جلیله امور خارجه دام تاییداته

بموجب شایعات درجراید عنانی و بعضی تلگرافات که بولایت جلیله بنیاد شده است و صورت آن توسط کار برداران بنیاد از حضور عالی گذشته است عموم متوطنین وطایفه اجنبیه در ممالک عنانی از تکالیف عسکریه و غیره مستثنی میباشند مگر اتباع دولت ایران که تکالیف بر آنها جاری است، در این اوقات از هر یک نفر ایرانی مطالبه مبلغی بعنوان عهده مکلفه که مستلزم تا بیعت است میانند و تحریر نفوس آنها میکنند، قلوب قاطبه ایرانیان متزلزل آرام و قرار از همه سلوب با این که در جلد سیم دستور عنانی در ماه ششم در ضمن معاهده دولت علیه ایران و عنانی که در سنه ۱۲۹۲ مطابق هشتم کانون اول سنه ۱۲۹۱ رومی است مینویسد و ترجمه آن این است در ممالک محروسه اقامت کننده تبعه ایران از صنف اجنبی میباشد مثل سایر تبعه اجنبیه از تکالیف و خدمات و بدلات عسکریه

که مخصوص تبعه دولت علیه است مستثنی میباشند البته صورت این معاهده در وزارت خارجه موجود است انشاء الله تعالی بحسن تکفایت رفع این بلایه عظمی فرموده راضی بذات و اسارت چندین هزار نفوس از وطایه ایران نخواهند شد نتیجه اقدامات با بشارت را عاجلاً انتظار داریم،
 محمد کاظم الخراسانی - عبد الله المازندرانی - شیخ الشریعه اصفهانی -

تلگراف ایرانیان ساکنین کوفه

(بوزارت خارجه)

توسط حجة الاسلام آقای آقا میرزا حسن دام ظلّه، مجلس مقدس شورای ملی دام نصره، و هیئت محترم وزرای عظام دام نصره، حضور مبارک وزیر امور خارجه دام اقباله،

داعیان مقیمین شهر کوفه سالهاست با فقر و استیصال در مملکت عنانی مقیم و از تکالیف عسکریه و غیره آسوده بودیم، این اوقات مأمورین عنانی اجرای تکلیف که بر وطایه خود نموده بر این فدویان میانند عمل مکلفه میگیرند و تحریر نفوس برای اخذ عسکر میکنند رفع این شدت و ذلت را با کمال عجز و انکسار از وکلای ملت و اولیای دولت استدعا و درخواست مینمائیم ایرانیان مقیمین شریفه کوفه حسن اصفهانی - محمد حسن بهبهانی - میرزا محمد بهبهانی - خلغالی زاده - عماد العلماء - الحوند علی بهبهانی - محمد رضای بهبهانی - سید مهدی قزوینی - محمد باقر بهبهانی - عبدالله البهبانی - محمد حسین البهبانی

سورت تلگراف هیئت علمیه نجف اشرف

طهران مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکتها - بنا بر آنچه تحقیق شده کلیه مفاسد و اعتشاشات جنوب مستند به بقایه حکومت دریایی است که فی الحقیقت مستخدم اجانب است - اغراض و مساعده اولیای امور در عزل این شخص وطن فروش قطعاً ذهاب یک قطعه نفیسه مملکت است، از مقام منبع وزارت داخله عزل دریایی و نصب یک کافر اسلام پرست وطن دوست را در آه حدود خواستگاریم (هیئت علمیه نجف اشرف)

نقل از روز نامه شریفة استقلال ایران

(زنده باد والا حضرت اقدس ناصر الملک)

(نایب السلطنه)

گویا در تمام ایران یعنی آن اشخاص که نسبت

وطن برستی را باشخص برستی مقایسه کرده بادقت کامل با نظریات مخصوص با وجدان يك با عدم غرض حق القوه برای استقلال مملکت قدم بر می دارند ، بدون مقصود قلم روی کاغذ میگذرانند ، نیکو می دانند که شخص نایب السلطنه در علم و دانش و تجربه و وطن برستی و بی غرضی منحصر فرد است ، در هیچ دوره چه زمان استبداد کبیر ، چه دوره استبداد صغیر ، چه در مشروطه ، ذره عرض وانی از وجود این بزرگ مرد ، ایران پرست وطن دوست دیده نشده است ، چنانچه اگر از راه حقیقت از طریق انصافیت تعمق شود ، امروز کسی که با قوای علم ، با عدم غرض رانی ، با نیات عاقلانه ، بتواند با اساس حدید ما همراهی کرده ، و وطن مقدس ما را از مخاطرات متجاوزانه قانون شکانه اجانب مستخلص بدارد ، همین شخص نایب السلطنه است ، امروز هیچ ما حسی ، هیچ ما عقلی ، هیچ ایراث پرست ایران نژادی ، انکار نخواهد کرد ، وجود نایب السلطنه برای ایران و ایران دوست يك گوهر گرانبهائی بی قیمت بی مثل و ماندیست که مادر ایران برای ما ودیعه گذاشته است ، یکی از کارهای بزرگ که در مجلس مقدس با متابعت انکار عامه از روی کمال سخت منتهای دقت گذشته انتخاب مقام نیابت سلطنت است که هیچ محل تردید نیست ، هر گاه از بزرگواری که بدون استحقاق در خیمه این مقام و کیف این مسند بوده اند یکی از آنها منتخب میشد ، تولید هزار اشکالات و هزار مخاطرات برای ملت بیچاره تهیه میکرد در این موقع ما با يك صدای بیفرخانه وطن خواهانه که فضای عالم را بر سکند فریاد کشیده میگوئیم ، ما برای استقـلال مملکت از هیچ گونه ملاحظات خونین مضایقه نداریم ، ما وجود نایب السلطنه را محیی و مقوی اساس دولت پارلمانی خودمان می دانیم ، ما بیفرضین و دشمنان ایران را با هزار تجربه و امتحان شناخته من بعد گول نخواهیم خورد ، ما وجود اشخاص شخص پرست گندمهای جو فروش را برای اوضاع حالیه مملکت بادشمنان خارجی بی هیچ وجه فرق نمی گذاریم ،

آقایان ، دیگر انزیکهای ایراث کشانه شخص

پرستانه گویا مفید نیست ، موقع ایراث پیش از این طاقت ندارد ، آخر رحم و انصاف هم يك اندازه دارد ، ملاحظه هم پیش از این قوه حضرت پیر است ، ملت زیاده بر این نمیتواند تحمل کند ، بیاید مملکت و ملت و خودتان رحم کنید و برسید از آن روزی که ما با يك قهاریت ملی بمجازاتی که قابل تاریخ ولایق دشمنان آسایش عامه است برسید آتوق بشیای سودی ندارد (خدا حافظ همی)

عریضه

(هیئت اصلاح خواهان)

(آستانه مقدسه رضوی)

بنیابت اقدس سلطنت عمای

این از عرض تبریک مقدم مبارک و جلوس میمنت مانوس والا حضرت اقدس بمقر نیابت سلطنت عظمی بعرض میرسانیم - از آنجائیکه فریضه ذمه مسلمانان این جاگران و لازمه حکم شناسی این خانه زادان آستان ملایک پاسبان است در این موقع که دارای نعمت مشروطه و آزادی گنتار کشته و از قید مذلت استبداد رها شده ایم در صدد استعدای اصلاحات امور این آستان ملایک پاسبان که بر اندازه مفشوش و بریشان و از هر جنبه بی سروسامان کشته بر آمده تا پیش از این بدنام و متهم و مورد ظمن و تمسخر دوست و دشمن نباشیم

آچیه در این مدت این خانه زادان بصبر و سکوت گذرانیده اثری از اصلاح امور آستانه مقدسه مشاهده نشده بلکه روز بروز امورات این اداره مبارکه مفشوش تر و اوضاع آن بریشان تر میشود ، لهذا کتباً و تلگرافاً عرایض و مقاصد خود را بمقامات عالیه و بمصادر امور عرض و اظهار کرده ایم ، جواب این خانه زادان اولیای امور موکول و محول به تشریف فرمائی حضرت اقدس فرموده اند اکنون که موکب مبارک ورود و چشم اعلی وطن به دیدار آن وجود اقدس روشن گشت ، استدعای ماجزانه این خانه زادان آستان قدس و دعا گوینان حقیقی دولت جلوس مدت آنستکه بعرایض صادقانه این خانه زادان که جز اصلاح امور آستانه مقدسه منظوری نداریم رسیدن فرموده نوبه

مخصوص در اصلاح امورات این آستانه مبارکه که
 قبه الاسلام و محل توجه خاص و عام است مبذول
 فرموده که از مراسم عالیة حضرت اقدس امورات
 این اداره محترمه منظم و مرتب شده موافق وقف
 نامهجات موقوفات آستانه مبارکه بمصارف معینہ برسد
 بلکه این دعا گوین از بدنامی های حالیه بیرون
 آمده با کمال سرافرازی در این آستان قدس مشغول
 خدمتگذاری و دعاگوئی بوده باشیم زیاده اندعائی
 نداریم . الامر الاقدس مطاع .

امضاء رکن التولیه سر کشیک اول ، قوام
 التولیه سر کشیک ثانی ، اسماعیل الحسینی سر کشیک
 ثالث ، عبدالعلی رضوی سر کشیک رابع ، اعتضاد
 التولیه سر کشیک خامس ، معزز التولیه خادم باشی
 خامس ، ضابط اسناد ، عضد التولیه مهر دار ،
 حاجی میرزا مرتضی کیشک اقامی باشی و دربان باشی ،
 مؤیدالوزاره ، ارفع التولیه ، نهای التولیه ، اسعد التولیه ،
 رفعت التولیه ، حاجی میرزا مهدی ، فراش باشیان
 خسه و سائر خدام و فراشان و دربانان .

کرمان و بلوچستان

تأجل عدم توجه اولیای دولت واعیان مملکت
 و مصادر امور مارا بکلی مایوس کرده بود که شاید
 عمداً طالب امنیت جنوب و بلوچستان نمی باشند
 این اوقات اخبار هم و زماشیر فی الجمله مارا امیدوار
 نموده علاوه از حرکت حضرت والا جلال الدوله
 فرما فرمایید کرمان بصوب مقصود میتوان گفت
 امید امنیت و اصلاح حال آینده این ایالت بزرگ
 را پیشنهاد نموده اند، سالار نصرت که بر حسب تجویز
 سردار نصرت رئیس قشون مامور هم شده رفعت
 نظام را که در نزد خزان بلوچستان مجاور هم رفته
 کناره از امورات هم نموده بود با اصرار به هم
 عودت داده عقد اتفاق با تمام خوانین هم بسته که
 دیگر ضدیت با هم نداشته در تکمیل امنیت هم و زماشیر
 بلکه بلوچستان برآیند، لهذا رفعت نظام رؤسای بلوچ
 ها را که در اجنبت بنساخت و تراج می آمدند
 همراه آورده قرار دادند دوستی فر از همین
 اشخاص سپرده برفعت نظام شده در سلك نوکری
 و محافظ راه و امنیت باشند، و خوانین بلوچستان
 نیز رفعت نظام را خانه که بلوچستان رفته قرار
 حالیات و امنیت آنها را داده باشد، اگرچه ما تا

یکدوجه از وطن برسی و مشروطه خواهی رفعت
 نظام و کفایت ذاتی مشارایه اطمینان داریم که
 میتواند همه این امورات را متکفل شده بلکه اهالی
 را به تمدن و مشروطه خواهی سوق دهد لکن
 از آنطرف حریت مطلقه و طفیان چند ساله که
 در سردار های بلوچ متمکن شده و میداند ایرانی
 از خرج کردن و عزم راسخ محروم است باین
 حرف ها قانع نخواهند شد
 (ره چنان رو که در بران رفتند)

مملکت استمداد میخواستند قشون میخواستند امروز
 که هوا مقتضی حرکت قشون است همه جور تملق
 گفته رعیت هستند مجدد فردا که گرم شد دیگر
 اطاعت ندارند اگر دولت در این موقع باز مثل رفتن
 قوام الملک فریب بلوچ ها را خورده بی مامور
 بلوچستان نفرمایند یا باید گنت گول خوردند یا
 عمداً طایل به امنیت بلوچستان نمی باشند

آخر بول خود بلوچستان را که مالیات دوسه
 ساله باشد از رفتن اردوی کافی به بلوچستان
 وصول می شود، اگر تمام آن یا نصف آن را خرج
 بلوچستان نمایند صاحب سرحد منظم خود خواهند
 شده، ایها از بس گفته شده و نوشته شده دیگر هم
 شخص بی اطلاع میداند بلوچستان مالی سند است
 امروز نمکی است آنچه در نظر دارند از حیت آبادی
 ملاح لازم سرحدات ساختن حازه سوار و غیره مهیا
 نمایند کسی هم نمیتواند جلوگیری نماید، بعضی مطالب
 است که اظهار آن مقتضی نیست ، ملکی که هر گونه
 استمداد دارد هزارها قنات کافیه رود خانه و رود
 بخوبی آباد میشود بنادر متعدد دارد، دریا دارد، کوه
 دارد جنگل دارد معدن دارد، معدنکلیک دارد، هم
 قرمز هم زرده افسوس است که اورا با بحال واگذارید
 مکرر نوشته شده سرحد بلوچستان در پنج سال از
 آذربایجان آباد تر میشود قابل همه جور زراعت
 سرحدیت استمداد قشون دارد دیگر معلوم نیست
 باین حکومت بزرگ مشروطه خواه و اتحاد خوانین هم
 چه نوع رفتار نمایند، آینده مراتب و محض املاح
 امنای دولت و ملت بمرض خواهد رساید و سلوک
 مأمورین و اولیای امور را عرضه میداریم
 علی السجاله شهر کرمان بواسطه کثرت سرما و
 و برف و باران و ناخوشی کارا (وبا) که روزی

و دفع شر اشرار نماید ولی چه سود صکه اسباب
منفوق و این بیچاره هم آزرده خاطر از فقدان
اسباب میباشد. اگر يك قنطاق توپ قلعه کوب صحیح
در عباسی بود با قورخانه لازمه در همان اول وهله
قلع و قمع اشرار شده بود اما چه فایده که نیست
کاشکی اولیای امور فی الجمله عطف نظری بسوی
سرحد جنوب مملکت می انداختند و اینگونه بر اعتنائ
نمیفرمودند. اگر کار از ایقرار باشد مشکل است وقتی
که توپ و تفنگی از بوشهر برسد بوش دارو بعد
از مرگ است

دارم و سبب جات بهمان حال خود باقی و شبیح
زکریا با کمال استقلال حکومت مینماید - بموجب خط
وارده از لار حجة الاسلام حاجی سید عبدالحسین
مجتهد لاری از شیراز معاودت به لار فرموده. از قمره
جاشک و بیابان و واقعات آن حدود بدیهی است خبر
نگاران عرض نموده اند ولی مختصری عرض میشود که
امروز صفحه جاشک و بیابان میتوان گفت از تحت
امر دولت ایران خارج و در تصرف بیگانه رفته و
از جمله منعمرات ایشان محسوب است. زیرا که مصطفی
خان بلوچ ضابط جاشک و نوکر و مواجب خور است
امیر حاجی ضابط بیابان نیز کذاک فرمان بردار خارجه
میباشد. جاشک که مدتهاست يك دینار مالیات نداده و
خودشان خوردند. بیابان تا سالها هم مالیات معمولی خود
داده اگر جزئی باقی باشد شاید بدهد - ولی تمام
امر و نهی جاشک و بیابان در تصرف اجنبیان
است. چنانچه در قبل باسم اینکه امیر برکت خان
عزم بیابان داد لشکری پیاده نموده و بطرف امیر
برکت خان رفتند. مشارالیه نیز در صدد دفاع برآمده
شش ساعت جنگ نمود و در حقیقت شجاعت
بمخرج داد که نگذاشت يك نفر از لشکر خارجه
مقتول یا مجروح شود و ایشان را شکست داد.

حالات امیر برکت خان در وطن خواهی بر تمام
ملت ایران واضح است که بجرم وطن خواهی
اورا برده بوشهر حبس نمودند و با اشاره غیبی در
غیاب دریا یکی اورا گریز آیدند از این گریز آیدن
تعلیقاتی که بمشارالیه داده بودند مقصود این بود
صکه برود در اطراف جاشک و بیابان بنای

یک نفر دو نفر را مبتلا نموده خلیل خراب است
سوخت همه و ذغال نیست مردم بیچاره از عدم سوخت
بستوه آمده خاصه وافوریان که محتاج بذغال میباشدند
اوقات شان خلیل تلخ است. قره سواران سرما و
برف راه هارا علی الجمله از سابقین ممنوع داشته بعضی
وژهای افادات عدایه و غیره فرار کرده رفته اند
خارج شهر که محفوظ باشند. رئیس نظمی با مختصر
اردوئی به حیرت رفته برای وصول مالیات حیرت
و رودبار و سرکوبی طایفه پهلوانی که ضابط خود را
کشته. قونسول روس که در ۱۷ فرسخی شهرش
نفر دزد قزاقی و کافی بند او را زده بودند از
آنها پس گرفته میگویند يك عدل منقود شده یا
دزد ها برده یا در راه ریخته اند دیگری برده
لذا پس از رفتن بایل آنها با امانیه معاودت برفسنجان
و روان طهران شد

«سندر عباس»

محوطه شهر امنیت دارد نزول رحمت الهی در
این چند بوم بسیار خوب شده و اسباب امیدواری
تمام اهالی شهر و توابع کشته است. حسین معروف
هنوز در قلعه زیارت میباشد و تفنگچی حکومتی
در (جلالی) بواسطه عدم توپ نمیتواند حمله
به قلعه ببرد. مصباح دیوان از حکمران بنیاد
توپ و استعداد خواست بدو جواب تلگرافی رسید
که تفنگچی با توپ و قورخانه در جهاز میل روانه
مینمایم ولی اثری نشد. ۱۰ بوم گذشت و کسی نیامد.
محمد تلگراف نمود که اگر تفنگچی امکان نیست بقدر
لرزم در عباسی هست توپ روانه نمایند. جواب از
حکمران رسید خودم با تفنگچی و توپ در میل خواهم
آمد. میل هم وارد شد نیامدند باین ملاحظات اشرار
هم جری تر شده و میشوند و فعلاً حسین در
شمیلات باسم عشر از اهالی مطالبه پول دارد و
دریافت مینماید. بدبخت نایب الحکومه چه کار نماید
با کدام استعداد و اسباب جلوگیری از اشرار کند
در صورتیکه يك قنطاق توپ و ۱۰۰ دانه فشنگ
و يك توپچی حسابی درین سرحد مهم مثل بندر
عباس از برکت سر اولیای امور خصوص وزارت های
جنگ که بی دربی تبدیل میشوند نباشد. هر نایب
الحکومه فعالی هم باشد نمیتواند کار از پیش ببرد

افغانستان بگذارد تا آنکه اسباب بهانه همایه شود، اما مشاوریه از شرط دانش و وطن خواهی که داشت این آرزو را در دل ایشان گذاشت و رفت در گوشت از خاک بشاگرد که تابع کرمان بود آسوده نشست و هیچگونه اقدامی ننمود، مکنون تعاقب مشاوریه دارند و این مطلب را بهانه کرده اند که حرکت خان مقصر است.

مکتوب يك از مسافرين محرمه

از فرار معلوم گویا محرمه بلدی ندارد برای اینکه میان کوچها و بازارها (جوی) کنده اند که اگر باران بیاید مثل نهر آب جاری بشود و اهالی ولایت از دیدار آب جاری خورسند و مشغوف گردند. در این شهر جان است که اورا (صفا) می نامند و جمیع قصابهای شهر در آنجا مکان دارند، قاعده ولایت ایرارا نمیدانم چونکه بغیر از این دنه بخاک ایران نیامده لیکن از قواعد ولایات عراق بالخصوص بغداد که بنده ساکن شده ام بخوبی واقفم، قصاب های بغداد با سر حکومت مصلیه میباید گوسفندان را که برای ذبح کردن میبرند بقدر بیساعت از ولایت دور برده بعد از ذبح آنها و پوست کندن و پاک کردن رودهای او حول به ولایت می کنند و می فروشند لیکن در محرمه برای نزدیکی راه قصابهای مذکور گوسفندان را در پای دکان ذبح و سلاخی می کنند بوی عفونت خون و آب و مخصوص آب باران چند ساله در آن جمع گشته که هر آدم صحیح المزاجی که وارد می شود و بوی گندیده قصاب خانه بمشامش میرسد فی الفور بیمار و بعلت های گوناگون مبتلا زندگی او امکان پذیر نیست

در بلاد خارجه دیده ام که در میان کوچها و بازارها در مسافت سه ذرع يك جا برای باران وغیره کنده اند اگر باران بیاید دوسه ساعت کل وشل و آب در کوچها می ماند و خشک میشود لیکن در محرمه يك هفته قبل از ورود بنده باران باریده بود هنوز آدم از میانش گل وشل و آب او بیرون نمی توانست آید، هر طوری که بود افتاب و خیزان از آب جا خود را بسپاحت توپخانه مبارکه رسانیدم، دیدم پنج عمرا ده توپ کهنه که دو عمرا ده از آنها در عهد محمد شهاب قاجار و دو عمرا ده دیگر در عهد ناصرالدین شاه درست

کرده، و يك عمرا ده دیگر، تاریخی بالایش نبود از کثرت آب باران که بالای آنها باریده همه را زنگار سحرته بود گویا توپها و یا صاحب منصات آنها از کثرت مشاغل فراغت نمی بینند که آنها را روغن بماند که لااقل در وقت احتیاج بکار آید و مصطل نشوند، از همه بدتر جریخ عمرا ده ها شکسته و کینه خته بود و این عمرا ده های مذکور اختراع ایام دقیانوس می باشد توپ ها میباید در بوزار بحر واقع بشود که اگر دشمن آمد مدافعه نماید بالعکس توپ خانه در انتهای شهر واقع گردیده است، موقع اداره کرک رایج توپ خانه بنظر بنده اگر معین کنند خیلی بهتر است چونکه در بوزار بحر واقع گردیده و راه آمد و شد جهازات است.

هر چه ملاحظه شط کارون را نمودم مجز از کشتی های انگلیسی که دو عدد آنها بار کشت و يك دیگر مخصوصاً لشکر مقابل قونول خانه انداخته است که اسم اورا محرمه نهاده اند، دو جهاز کوچک که اینها راهی آمد و شد به ناصری و به بریم و بصره دائم آماده اند، فی الحقیقه حای تاسف است که درین بندر مهم که لشکر شاه کشتی های خارجه و در حدود عثمانی واقع گردیده که سرماز و نه يك جهاز در او پیداست، هر چه جراید وطن خواه که بیرق آزادی ایران بر دوش گرفته داد و فریاد می زنند که شاید وزراء ما عطف نظری بجانب خطیج فارس بیاندازند فایده ندارد، دولت علیه عثمانی دو جهاز جنگی در این حدود گذاشته که یکی از کشتی های جنگی های (سپاه کلبه بحر) و در نزدیکی (فیلپه) که حدود عثمانی و ایران است لشکر انداخته و یکی دیگر که تازه در ایام مشروطیت روانه این صوبه نموده اند سپاه (مرمریس) و در بصره لشکر انداخته است و مذکورین با سرماز بحری و توپ خانه و استعداد کامل آماده اند و ماها در این بندر يك جهاز و چند سرماز هم نگذاشته ایم

الحاصل بنده خیلی شوق داشتم که در مکتب (خزعلیه) رفته سیر کنم بواسطه عبد الصحن مکتب مذکور تحویل بود ممکن نشد لیکن شاگردان مکتب

مذکور را در بازارها و کوچها دیدم که با لباسهای ایرانی خوب به ترتیب اروپا گردش می کردند الحاق شایان تمجید است. از خداوند طالبان موقیت مؤسین را خواستیم و آرزو داشتم که در مدتی رفت رفته اوضاع اینجا را ملاحظه نمایم ممکن نشد در راه به بصره عودت نمودم، در وارد شدن به بصره دیدم چه آزی وارد شده و همه عبریهای او زوار شیرازی اند. بیچارها از بی نوازی و نابلدی اکثر ایشان در کوچها مار انداخته بودند تا جبهاز از بغداد آمد و داخل جبهاز گردیدند، شده رقم ملاحظه احوال آنها را بنمایم دیدم فراشی وارد جبهاز شد و مشار الیه با کمال مواظبت مدارا با زوارهای بی چاره می نمود و از هر کدام حق القدم می خواست این افسال از بی مواجی است اگر مواجب معین برای آنها میبود جرأت نمی کردند که دعوی پول از کسی بکنند

یاددارم در اوایل مشروطیت وکیل کار بردازی بغداد مواجب برای تراشها معین نمود یک روز یکی را شکایت کرده بود آمدند به مقصر را به کار برداز حاه ببرند بعضی اصرار چوین آنها را رضی کردند طالب و مطوب از هم راضی شدند فقط تراش ماند، مقصر دست توی حیب برد دو قران به تراش داد تراش دو قران را در میان دو اسکت گرفت و گفت ای مردم ملاحظه کنید که این را بمن اکرام داده اند نه حق القدم، چیزی از بن میاه نگذشت که همسر از وزارت خارجه ابراه وارد گردید بدین مضمون که (تا رسیدن کار برداز جدید مأمورین کار برداز حاه بیاید مثل اول گذرات بکنند) بی چاره وکیل کار بردازها دیگر مواجب تراشها نتوانست بدهد تراش ما وقتی دیدند کار رنگ دیگر شد آمدند به ریش تراشیدن مخلوق، مقصود این جمله از بی اعتنائی وزارت خارجه است

تشریح و معذرت

نظر بر اینکه در وقت جاگداز رحلت فرزند عزیز و جوان ناکام آقا میرزا احمد، از کاکته و بیثباتی مدراس و برمه تلگرافات و خطوط تسلیمت و تعزیت از دوستان و همدردان صمیم، خوبی رسیده و حال این مصیبت زده هم نگفته بر همه آقایان معلوم است، برای اینکه از نوسیدن جواب نگران نباشند بذریعه این

معذرت نامه از تمام آقایان محترم و همدردان مکرم که درین مصیبت با محاسن همراهی نموده اند معذرت و تشکر از کلیه آقایان نموده خصوصاً از آقایان محترم و بزرگان مکرری که زحمت گوارا فرموده از بیثباتی به بونه تشریف آورده اند بالاخص از جنابان مستطابان آقای آقا میرزا محمد صاحب امینالتجار - آقای حاجی محمد مهدی مدحت الدوله ملکالتجار - آقای آقا محمد حسن صاحب تاجر دهمدشقی، آقای آقا شیخ محمد صاحب اصفهانی پروفیسر - آقای آقا محمد تقی صاحب تاجر انشار - آقای آقا محمد چمنر صاحب تاجر شوشتری - آقای آقا محمد حسین صاحب تاجر شوشتری - آقای آقا علی صاحب تاجر نمازی - آقای آقا محمد حسن صاحب تاجر شوشتری - آقای آقا ابوالقاسم صاحب معین - آقای حاجی محمد علی صاحب تاجر لادی - آقای آقا محمد علی صاحب تاجر کرچی - آقای آقا عزیز فرزند آقای آقا محمد حسین صاحب تاجر دهمدشقی - آقای آقا میرزا احمد صاحب تاجر شوشتری - و سایر آقایان تشکر نموده و بسلاقی تمام دوستان یک لبرای انگلیسی برای مکتب مساوات کربلا نذر و تقدیم نمودم

(ایل الحاج محمد حسن کاشانی - بونه ۹ صفر ۱۳۲۹)

کشف الغطاء

اگر فرق و اختلاف مسلک خارجی را که در طهران بدید آمده درست بخواهید دانست باشید مثلی را که یک از دامایان گفته تشریح میکنم، یک دشمن بسیار قوی قادر عظیم هواناک میخواهد کلاه بنده را که خیلی عاجز ضعیف ناتوانم بردارد قوت فوقاله - اده ثروت عظیم قدرت جسم اسلحه عذازه علم کامل ترتیب صحیح و همه چیز کامل دشمن مسلم فریقین و مفروغ عنه و متفق علیه کل است، همان طوریکه ضعف فوق العاده فقر بی نهایت جهل مطلق خرابی امور هم بی شبهه است و در این هیچ شکی نیست که هر دقیقه دشمن میخواهد کلاه مرا بچهر بر میدارد و با کمال آسانی، ولی حرف در این جا است که اتفاقاً دشمن معبود قوی بجه هر ملاحظه است نمیخواهد که بخود جبرا پیش آمده کلاه مرا بدست خود بردارد و از دور پشت یک حائلی ایستاده چشمتش را بسوی من خیره کرده و دریده با کمال مریدم و منوره زبانی و تمهید

گنان و نهب زمان اصرار زیاد دارد که من خودم کلاه را بدو دست برداشته و بسوی او دراز کرده و تسلیم نمایم نه آنکه خود قدمی پیش بگذارم و جبراً بر دارم و هر دفعه که مثل دبو مهیب جان ستان و امریمن هولناک یا ملک الموت نظر خشم آورد بسوی من می اندازد و نعره کوه افکن بر من میزند نزدیک میشود قالب از روح منی گم و بکلی خود را در بازم ، حالا در این حال برای بر داشته شدن این کلاه سه شق (یا سه مسلک) برای صاحب کلاه) موجود است .

یکی آنکه بکلی مرعوب تهدیدات دشمن گشته و به نسرهای او باور نموده کلاه را در دست گرفته و داشته و جلو رفته با بیاض قدم او شود که او هم بنام عالم بگوید (بعد از گرفتن کلاه) که من طالب نبودم و چیزی در بیاب نوشتم فقط فلان خودش آمده از من التماس کرد سکه کلاه او را گرفته و محافظت کنم چون خودش از حفظ آن عاجز است و واقفانه هم سندی دست من نداده باشد که بجز گرفته است و برخلاف رضای من یا در این بذل و هبه اسکراه در بی بوده شامدی هم برای تهدیدات شفا هیش ندارم هیچ کس باور نکند که اسکراه کرده

دوم آنکه از تقدیم کلاه بدست خود امتناع کرده ولی هیچگونه مقاومت هم در دادن آن نکنم فقط بگویم چون جبری است من بدست خود تسلیم نمیکنم ولی دستهای خود را باین انداخته راست می ایستم که هر وقت میخواهد و صلاح خود بداند بیاید بی مقاومت فعلی و کشش بدست خودش برود .

شق سیم آنکه در دست بر سر خود چسبیده از دو طرف با تمام قوا کلاه را در سر نگاهدارم که چون دشمن جلو آمد مجبور شود که با قوت معلوم خود پس از کشاکش و برگرداندن دست و انگشتانم و شاییدن من از زمین قهراً و بزور کلاه را از دستم گرفته برد .

این است تساروت عقایدیکه هر کدام از آنها نیز دلالتی منحل برایش خود دارند بلی قدرت و ثروت و علم و عسکر و و و و و همه چیز روس و انگلیس در یکطرف و ضلع و خراس و بریشان ایران از طرف دیگر اجابای فرقه های سیاسی و قدرت و تمکن آنها بر هر چه میخواهند درباره ما و عدم هیچ نوع اسباب حق عبرت و اتحاد برای ما هم بر شبهه مسلم است ، اما با وجود این آیا این مقدمات منتج عمل بکدام شق از آن شقوق مگانه مسلک خارجی میشود؟ آیا تسلیم صرف

میشود؟ آیا تسلیم صرف و مرعوبیت و تقدیم تنانهای آتش از خوف تهدید و نشر یا امتناع از دادن باختیار و امضای مبه نامه و گذاشتن آنکه اگر نخواهند جبراً بدون ادن و برخلاف رضا و امضای ما برده و ما فقط به برتست قناعت کنیم؟ یا بمقاومت در تسلیم ولو با چوب و چپاق و حرکت مذوح عبورانه صحیح و موافق عقل و سیاست است ؟ در این یکسال گذشته اکثریت اولیای امور باعدال و ولایت حق در روابط خارجه مستعد و بشق اول قائل بوده و فرقه احرار که همه وقت اقلیت داشتند بشق دوم و روه نامه جبلالمتین بشق سیم و فرق این شقوق از همدیگر از زمین تا آسمان است ، چنانکه تمام دعوانه کل اختلافات و همه تضادات مسلکی و منازعات در سر دو شق اول بوده و ابدأ کسی را جرئت آتش نبود که بشق سیم اظهار عقیدت نماید وگره دیوانه محسوب میشد و یا مرتد و مفسد و مهدورالدم می گشت ، و در این مدت هر وقت حریده جبلالمتین میرسید و نقشه خیالی او را میخواندم به قدر و خود می پیچیدم و بفرقه مخاف می گفتم که حرکت را بگیرد تا به تب راضی شود . به بنید جبلالمتین چه میگویی آه وقت اگر احرار را افراط پرست بگویند او را چه خواهید گشت .

باری اگرچه این اختلاف علی اجاله بنظر شاید جزئی بیاید ولی جوین مربوط و رک استقلال و شریکات اساس موجودیت ملی است اسباب نزاع فوق العاده و خود کنی در سر عقیده شده و هیچکدام از فریقین بدلائل عقلیه همدیگر قائم نشدند ، ولی کاش مسئله همین قدر اختلاف عقیده عقلان و ساده و باخترانه ختم میشد و مطالبی کذیب تر و وزیل تر و بهمان اندازه شر آمیز تر داخل این اختلاف نمیشد ، تا ایجا ما همه جا طرفین را دارای عقیده و مسلک حساب کرده و مجادلات را در دائره مشروع فرض میکردیم و نمیخواستیم برده را از روی کار و داریم ولی بد بخانه اسطور نیست زیرا فرقه که طرفدار ولایت ما حریفان است همه افرادی از روی عقیده قائل باین امر نبوده و طریق سادات و محلات نملکت را در آن نمی بینند بلکه اکثرشان یعنی در سدی بود و بیخ از اشخاصی مرکب است که جاه و منصب و مکنت و منافع شخصی و صنی خود را در این طریق محفوظ تر می بینند و از آدمهایی هستند که در ترتیب دره قدیمه بجنه شده و در پیش بردن مقصود و غلبه بر خصم تشتت تمام وسائل منصوره را جایز دانسته و از استعمال حیله بازی و وسائیل غیر مشروع ضایعه

ندارند، اخلاق عهد ناصری و خصال دوره کتف و ذالت مآبی مظاری و اصول فدای هر حقیقه در راه اغراض شخصی در آنها ریشه دار و راسخ گشته، این بود که در مقابل حرفهای صحیح فرقه نانی شروع کردند بفریب عوام بواسطه الفاظ خوش ظاهر و کلمات دلسوزی بشرع و اسناد هر کوه نهمها بطرف خود و تمام انزاع حایمه متصوره و فرصیه عالم بآنها (مثل قصه معروف مباحثه دو آخوند در نوشتن مار که یکی لفظ مار نوشت و دیگری شکل مار کشید و دوستانها را بشهادت طلبید یا قضیه مباحثه اخباری و اهل اولی و تحریک عوام باینکه مدعی میگویید ضرب حضرت عباس نجس است و غیره) و بنا کردند اسنادات غریبی بفرقه نانی دادن و از جمله آن کارهای بسیار عریب یکی هم مسئله شهرت (انقلابیون) است که یکی از مسائل اسرار عجیب و معای مشکلی ایران است که محض مقال از هزاران نهمهای بر از اسرار که هر یک کتابی شرح لازم دارد بشرح همین قلمرو اکتفا می کنم ،

یقین حالا خیلی تعجب خواهید کرد اگر یک مرتبه برخلاف معمول بشنوید یکی بگوید که مرکز فرقه و مسلکی باسم انقلابیون در ایران وجود ندارد و هیچوقت نداشته و هیچ آن در هیچ حایمه ایران ادا یکمرتبه نگذشته که من انقلاب و این مطلب بکنی از مجولات مطلقه و صرف ساخته و مصنوعی است ، بعینه مثل خیل از امور مسلمه را عندالعوام ماسد بری و دیو، بی واقفانم جای تعجب است که چنین چیزیکه کل جراید داخله و افواه عموم از آن بر شده اصلاً بی اساس و بی حقیقه صرف باشد ،

ولی اگر مسبق شوید که در دوره تازه اخیر یک اختراع عجیب و ترتیب حیرت انگیز فوق العاده پیدا شده که حقیقه حیرت بخش ادعای است قبول خواهید کرد که هر معدوم صرف و خیال بی اساس ممکن است بآن ترتیب مجسم و مسلم و معتقد عموم گردد، و آن بد این ترتیب است که برای اثبات یک نهمت و وجود دادن و شهرت دادن یک مقصد باطنی جمعی از استادان حیل و دسایس و شاگردان امین السلطان و اهل ثروت و ارباب بد طولی در اسباب چینی و شارلاتانی و فنون اتریکی و حقه بازی یک دستگاه انتشارات و حوزه جعلیات بترتیب مخصوصی درست کرد، اند که بهترین اسامی برای آن دستگاه (قاریک تواتر مصنوعی) است که در دوره مشروطه نانوئی اختراع و ایجاد شد از اینقرار که مثلاً قریب صد و دویست نفر ترتیب از جمله بسکاران و بیچاران و سر دسته

ها و روضه خوانها و ارباب حقوق دیوانی و سینه زن و محکمه شاگرد و کارکنان میان عوام و مسئله گویان که عده شان در طهران قریب ده هزار نفر بلکه بیشتر موجود است انتخاب کرده و در حقیقه بزور پول اجیر نموده دستگاه انتشارات مخصوصی درست می کنند که هر مطلب موهومی خیال شان تعلق بگیرد در یک روز در و دیوار و تمام مخلوق یک شهر آن مطلب را ورد زبان کرده و هرچه تواتر احمای میرسد و آنوقت یک هیئت تحریریه قریب چهل و بیست نفر مخصوص نوشتن باطراف بترتیب معینی شروع می کنند از پست بولایات خارجه و اسلامبول و قفقاز و محض و چراغ فارسی و غیره که واقفاً هیچ کس را جز آنکه از تفصیل و حقیقه امروز واقف است ممکن نیست که شکی در وقوع و صحت مطلب منتشره نماید

مثلاً نجف عبارت از قصبه کوچکی است و چه قدر از مکاتیب متوالیه متحد المضامیر لازم است که آنها را بر آورده و منقلب نموده یک مطلب بی اساسی معتقد گرداند، همچنین فرض کنید انجمن ابالی مشهد را که مثلاً در ده پست متوالی دویست سیصد مکتوب به آنها دو شکایت از یک مطلب معین برسد و هم هر آدمی در طهران در ضمن مکاتیب معموله خود بطرف خودش در مشهد بنویسد که در طهران معروف است همچو مطلبی میگویند، به بیند آیا مشهدی میتواند آن شهرت و تواتر را قبول نکند و نفهمد که تواتر متحد المنشاء و مبنی بر تواتر است، همین طور وقتیکه ابتداء میخوانند یک امری را انتشار دهند نخست بوساطت غیر مستقیم در میان عوام و رجاله آن شایعه را انداخته پس از زلفی کم کم بتدریج بمتوسطین و طبقات عالی سرایت می کند و اندک اندک خود آقایان جاغلین و جراید شان که با پول خود بنا کرده اند ابتداء بطریق نقل قول مردم و شهرت اسم از مطلب معروف می برند و اگر دیدند که بروست شدید از منسوب الیه ظهور نکرد کم کم جری شده بنای تکرار هر روزه میگذارند و بقوت تکرار و ذکر مطلب در هر مناسبت مسجل و شایع میبایند بعد جمعی از آقایان بیغرض را هم وا میدارند مطلب شایع را در مکاتبات خود ذکر میکنند و هكذا ، چنانکه عیناً همین مسئله شهرت و نهمت اسم (انقلابیون) جمعی که در عقاید سیاسی و خصوصاً مسلک سیاست خارجی با آنها متفق نبودند تماماً بهمین ترتیب شده و نمیخواهم برای نامین و ایقان و اطمینان از حقیقه امر و صحت آنچه عرض میکنم متوسل باصوات تاکید گشته سوگند خورده و قسم یاد کنم، زیرا-و دم وجداناً مطمئنم که عین حقیقه را عرض میکنم

جلی مخصوصاً برای این يك قمره خدای آسمانها و زمین ها را شامد گرفته و بوطن مقدس خود و جتوئش که عزیز ترین اشیا پیش من است قسم میخورم که مدتها پس از آنکه مخالفین مسلک و مغرضین این اسم را روی فرقه مخالف مسلک خود گذارند و این اسناد را برای رساندن عوام و تنبیر قلوب آنان منتشر کردند طرف بکلی بیخبر بود که همچو اسمی با آنها نسبت میدهند و باور فرمایند که نخستین مرتبه و اول دفعه که این عبارت بکوش خورد و یکی از آنها بشوخی گشت که همچون اسمی بفرقه نسبت میدهند تقریباً (از قراریکه بعدها مسبق شدم) سه ماه بعد از اختراع و انتشار این نسبت بوده که در میان مردم انتشار یافته بود و طرف مسبق نبود بلی این صفت را این جور چیدند که تقریباً یکماه پس از افتتاح مجلس اولین دفعه بود که کم کم معلوم شد که يك جعی از وکلا يك دسته در میان خود بسته و اسمی بخود میدهند و دم از اعتدال میزنند اگرچه این مطلب در اوائل مخفی بود و با شوخی گفته میشد ولی چهل روز از افتتاح مجلس نگذشته بود و علنی شد و بزبان آمد که بعدها معلوم شد این ترتیب محرمانه دوماه پیش از افتتاح مجلس چیده شده و وکلای جدید الورود پرا که متعاقباً میرسیدند يك يك داخل دسته خود نموده و برضد یکی دوفتر خصومت ورزیده و آنها را دسته مخالف موعوم فرض کرده ساده لوحانرا بآن طریق متحد میکردند که در مقابل یکدسته دیگر که میخواهد احزاب بکند استیلا باید با روس بجنبند و غیره و غیره باید دست هم بدهیم زیرا دسته درست میشود متر در مقابل دسته در صورتیکه دسته مخالف (خدا را شامد می گیرم) که اصلاً وجود نداشته و جز غرض شخصی با یکی دوفتر این مطلب منشائی نداشت و از ملاحظه انکشاف دسیسه که داشتند وکلای ساده لوح تازه وارد را چنان بر کرده و اذعان شان را فوق العاده مشوب میکردند که نمیتوانستند ابدأ بعد از سه چهار ماه هم یکبار با طرف الت با صحبت کنند مبادا حیلله خنکشف شود مثل اینکه این دو سه نفر آبخوارند فاحدالعقیده هستند و حرماً داده آدم را بیپوش میکنند و بعد با آن شائبه ذهنی و دل بری که دارند هر روز هرکله نطق ساده طرف را در مجلس برای آن وکلا در خارج تفسیرات عجیب میکنند که در اوائل امر شخص تازه وارد برت و حیرت زده و مشوش شود : که هر روز در هر مطلب يك کلمه متعارف که هم طرف میگفت هم مثل سایرین بدون آنکه یا مرقد فکر و تسبیق ابراهیمی یا جایی خدشه برایش دیگر در آن پیدا شود.

غریب و مضحت میکردند که طرف مات میشد افسوس که هر يك ازین عریاض و هرکله از آنچه عرض میکنم هزار مثال و هزارها شرح دارد که محال تفصیل آن هست و از بابت مثال مطالب فوق يك قمره شامد عرض میکنم که کاور بجان کشیده بود که در روز سیم افتتاح مجلس که اولین جلسه رسمی بود و روزی بود که منحصر بیاد آوری خدمات اشخاصی که در اعاده مشروطیت دخیل بودند و تشکر از آنها شد و آن تشکر به هفت قسمت منقسم شده بود که اولی تشکر از ارواح شهداء حریت بود و یکی دیگر تشکر از سردارین دیگری از آذربایجان و هکذا و یکی هم در آن میان تشکر از احرار اروپا بود که بشروطیت ایران کت کردند که صاحب شاهزاده اسدالله میرزا بود در ضمن نطق اشارتیه نیز تصریحی تشکر از جناب پروفیسر ادوارد برون انگلیس از دارالعلوم کبرج است که واقفاً چنانکه میدایا برخلاف رجال و دولت متبوعه اش ایران دوست بوده و حتی عظیم در گردن این ملت دارد و بد بجهت از انشاء مجلس جانت نادان را دیدم سه اظهار شکایت شدید ازین قمره کرده و میگویند این قمره باعث میشود که پارلمان از اول به دوق انگلیس معرفی بشود و روسها بد شان بیاید نازل از اینکه پروفیسر برون چه و بلی به شکبها دارد و انگلیس برستی آرا گویند که کسی دولت انگلیس را پرستند و طرفدار پلنیک آن باشد نه آنکه هر که يك نفر از افراد ملت انگلیس را مثلاً مانند (شکر) شاعر یا (سپهر) فیلسوف را ببینند انگلیس پرست است. باری رجوع بطلب رده از جمله مترضه باذرم بلی دسته که اسم اعتدال درست شد طرف مقابل معارض نداشت ولی مقصد از این دسته بدی و اختراع این لقب محض جلب قلوب مردمیکه از انقلابات و جهاد حریت خسته و درمانده شده و فوق العاده مشتاق آرامی و سکونت است بود و بهلاوه تضییع بعضی اشخاصی را که نمود و بهبویاتی در میان مردم داشتند و وجودشان منافی بشرفیت حیالات آفاق بود در آن دید بود که مبادی بواسطه اعتبار این اسم اعتدال بخود شان طرف را افراط پرست بگویند یعنی قهراً این اسم افراط یا انقلاب بمخالفین اعتدالیون منطبق میشود مثل آنکه در تبریز الحقیقی از مستبدین در زمان انقلاب با اسم (اسلامیه) درست کردند که طبعاً و قهراً انجمن انجمن اباقی و مجمع مشروطه طلبان (کفریه) میشد یعنی مردم در مقام نقل مجبورند که بگویند اسلامیه و کفریه یا يك جعی اسم خود را اصلاحیون بگذارند معلوم است که مقصودش این

مواقع اگر دسته مخالفی واقعاً وجود داشته باشد البته آنها نمیگذارند هر چه طرفش بدان اسم بگذارد مسلحان کرده لاید آنها اسم حقیقی خود را اعلان یا اسم قشونکی بیدار کرده بخود میگذارند در اینصورت تالیات طرف روشی نکرده و زود از میان میروند زیرا آن فرقه منهم رسماً اعلان میکنند بلی ما فرقه هستیم متحد خیالاتمان چنین مقاصدمان چنان و اسممان فلان ولی بدبختانه در اینموقع فرقه در آن وقت بود و فقط طرف حمله اشخاص جذبی بود که طرف حسد و غرض واقع شده، کلیه احرار منکر عقیده تشکیل فرق سیاسی باین عجز و انقسامات مسلکی در مجموع بودند، لهذا در اینموقع که جمعی تشکیل فرقه اعتدال داده و جبراً وسیعاً بواسطه طرفیت میخواستند آنها را نیز مجبور به تشکیل یک فرقه دیگر نمایند آنها هم باصرار در نبرد و بیطرفی مقاومت کرده سکوت اختیار نمودند باین خیال که چون طرف هر چه حمله کند مقابله نمایند بالاخره منصرف شود و یارتی بدون یارتی مخالف دوام نکرده لاید متفرق گردد، این بود که تمام حلات و اشارات و حتی اسم معمول بی مقابله و جواب ماید و عالم گیر شد در صورتیکه هر فرقه باید اسم خود را خودش بگذارد در هیچ جا دیده نشده که یکفرقه هم اسم خود را هر چه می پسندد گذاشته و هم اسم طرف را چنانکه دلش میخواهد

بلی در انگلستان (لیبرال ها) این اسم را بخود داده بمخالفین خود (کنسرواتیو) گویند یا عکس فرقه مخالف اسم خود را (یونیونیست) گفته لیبرال ها را (سبارا یست) خوانند، ولی یک جریده بیطرف اگر بخواند منصفانه اسمی آنها را صحیح ذکر کرده باشد باید بگوید (یونیونیست و لیبرال) یعنی هر فرقه اسمی را بدهد که خود گذاشته نه اسمی را که طرفش وضع کرده، و عجب آنکه اعتدال هیچ مناسبتی با انقلاب ندارد، یعنی دو لفظ طرف با هم دیگر بستند برای آنکه اعتدال که در لغات فرنگی آن را (moderation) گویند مقابل با افراط و افراطیون یا (excess) است و یا با تعریض و انقلاب که در لغات فرنگی رولسیون (revolution) است مقابل با تکامل است که با اصطلاح عربی نشو و ارتقاء و فرنگی ادلسیون (development) گویند. در اینصورت هم جا باید گفت اعتدال و افراط برستی یا تکامل و انقلاب، و گرنه اعتدال و انقلاب هیچوقت نقیض هم دیگر نبوده مگر در علم نجوم قدیم که گویند اعتدالین و بیبی و خریفی و انقلابین صیبی و شوی و شاید مخترع این لفظ که یقیناً از اعتدالیون بود منجم بوده !!!

بلی هر وکیل ساده لوح از ولایات دور دست بطهران رسید خالی الذهن و از همه جا بیخبر فوراً رفت (سکه) در اصول مراوده و خوش سلوکی فوق العاده ماهر بودند و درین مردم فریبی نمره اول برخلاف طرف شان که نقطه مقابل ضد این تزیب و در مردم داری و دیبا داری عاجز و محجوب و بیینه کینیت علی و مساویه بود که این کینیت هم تفصیل مخصوص علیجده دارد که یکی از ابواب و فصول تاریخ وقایع اسرار انگیز دوره حکومت ملی باید شود (دورش را گرفته پس از استقبالها دید ما و باز دید ما و مهانی ما و محبت ما باو گویند موقع باریک مملکت، تلاش امور، گسیخته شدن شیرازه، پاشیده شدن کار، ضعف فوق العاده مادی و معنوی مملکت، پس از اینجه اختلالات که معلوم است بی بولی بی قشون ضعف دولت اشغال عساکر اجنبی تضییقات خارجی سکه واضح است درین حال، آیا اعتدال و مسلک احتیاط و عقل و حکمت و تقویت دولت و تشکیل یک دولت مقتدر بنامین مملکت و رفع اشرار و اسکات فتن و اخراج اجانب خوبست یا سی در مرکزیت قوا - و تقویت نظام، یا انقلاب و اغتشاش و تضعیف دولت و آرام کشتن و ایرادگیری بدولت و غیره ما.

معلوم است که شخص تازه وارد بدون تامل خواهد گفت اولی بهتر است آنوقت میگویند که پس شما ملحق شوید بدسته اعتدالیون و حاضر شوید در (کلوب) آنها و اجتناب کنید از انقلابیون و تحقیق کنید از مردم این شهر سکه کدامها انقلابی و کدامها اعتدالی هستند بجهت غافل از اینکه ابداً انقلابی وجود ندارد و لفظی است اختزاعی همه اهل ابراه خاصه مصادر امور از وکلا و وزراء در تکامل دولت و عشق ترقی نظام و قشون که اولین مایه محبت مملکت است و مرکزیت قوا که تا صدسال دیگر نیز دانایان ایران در آن مخالف نخواهند شد، زیرا مثل فرانسه متجانسی الکنه است، و اعاده قشون خارجه سکه یگانه آمال هر ایرانی است متفقند و این مسائل اجماعی است، و ابداً پیش یکی از متهمین انقلاب نمی رود که یکساعت مذاکره کند و ببیند این نسبتها هتان صرف است که سهل است بلکه تماماً برعکس است، و درین امور مفیده و ملاحظه حال امروزه دولت ایران صد مرتبه بیشتر سعی اند.

اینکه عرض کردم و تشریح نمودم که این واقعه شهرت انقلابی خصوصاً وسایر اسنادات برون برستان حقیقی عموماً یکی از عجایب و نوادر تاریخ ایران بلکه عموم عالم است برای این بود که همه وقت اسنادات

غیر واقع در عالم بوده و خیلی دروغ ها مشهور گشته ولی همه وقت يك شهرت فوق العاده که دنیا را بر کند يك ماخذ جزئی يك ذره اصل یا يك چیز مختصر دیگر داشته که بزرگش نموده اند، و این است که گفته اند

(تا نباشد چیزی مردم نگویند چیز ها)

یعنی مطالب جزئی را هم تخریب و هم اعظام کرده اند ولی این ترتیب که ابتدا يك جز، لا تجزی هم ماخذ در میان بود و شهرت عالم گیر شود که جز (حین مطلق) اسی برای آن بتوان پیدا کرد از احترامات عجب حارر العاده این دوره تازه است که بواسطه همان (قاریان تواتر مصنوعی) هر چیزی که در نصف شب رای مؤسوس و مخترمین آن کار خانه حیرت انگیز بر انتشارش علاقه گیرد صبح آنروز يك شهر تمام ده هزار نفر در و دیوار آن را بطور یقین بگویند و دیگر جلوگیری و خارج کردن از ذهن مردم هم ممکن نباشد، زیرا به همت مزوره دوسه مطلق یکی در روز نامه ده پست ریش سفید اصناف و سردسته بازار و علم گردانان رجاله و چندین روضه خوان و ملا با خود همراه دارد، که این دو ملا در خصوص مطلب معمول نطق غراء کرده و آن یکی پست مقاله متسلسل نوشته سیمی در بازار صبح تا شام وارد زبان کرده چهارمی بالای منبر در میانش کریز ذکر کرده و بر خرابی زمان ناسف نموده پنجمی ثبت لای الاحقر بنویسد، و بلکه این هیئت عکس آنچه را که شخصی در آن مصر و مفرط است اثبات و منتشر می کنند، مثلا کسی را که بشدت تمام بر ضد عیش و مسق باشد بحدی که همیشه اسباب ملامت دوستانش گردد بدائم الخمری مشهور کردن خیلی استادی میخواهد و کار سهلی نیست، بینه مثل اینکه يك نفر بخواند منتشر کند که مدیر جبل المتین که پست سال است بمطبوعات خدمت کرده نوشتن بلد نیست یا سواد ندارد، بی اگر کسی شبی از خانه خود بيك مجلس روضه یا قرائت قرآن بیرون برود و صبح نصح مفصل و شروحي از او نقل کنند که فلان در مجلس عیش و طرب بوده مست شده و چنین و چنان کرده باز مطالبی نیست زیرا مردم باور میکنند و میگویند بدلیل اینکه در خانه نبوده

اما هنر آنچه است که شخصی را که شب تا صبح بشهادت ده نفر در منزل خود بوده نسبت دهند که خانه تاجری را در یکفرسخی راه زده و طالش را دزدیده کند انداخته و اموال را

يك مار نظیر این دستگاه عجیب را نشنیده و آن اداره يك مجتهد بزرگ با ثروت اولین متنفذ تبریز بود که همیشه دستگاه و کارخانه مشارالیه داشت و نزحات عدیده بتوسط نمود بازاری و سردسته های اصنافی که هر يك سالی چندین مہای و چند حراره را به میداد ترتیب داد، و چیده و درست کرده بود که يك شهر عوام را مثل میمونیا دست آموز خود ساخته و ارادش در عرض دو ساعت در تمام شهر حکم حق البقی و وحی منزل پیدا میکرد

چنانچه یکی از مدعیان مقبول خود را که مرض شقاقولوس مبتلا بود بهم آورده و بافاد اداخت که این شخص برای معالجه مرضش حکم اسال را میخورد و این شایه نخدی مسم و منتشر و عقیده نامه شده بود که همه اورا زده بودند و هر روز خبر گم شدن و پیدا شدن حسد بی حکم چندسهر طائل را با نام و نشان در فلان قبرستان با روایت های درایت میدادند و کار بالاخره محانی رسید که بازار تبریز بسته و محامه مریض بچاره ریختند. انگاه مشارالیه در مقام عجز و توسل بخورد آقا شد آقا آقا زاده را بخانه مشارالیه فرستاده مردم را بر گردانید. درین وقایع اخیره طهران نیز کل ایران و بلکه عالم گول خورده و یقین بحول حامل کرد محدیکه از مرکز هر پست قریب دویست مکتوب مخطوط مختلفه و شیوه ها و انشا های متعدد بسبکهای بیفرضه و دلسوزانه که الآن نصف شب است از خیالات و غصه وطن بیدار شده و این سطور را مینویسم و مکندا .

این از مبلنی اطهار بفرضی زهر هلاهل را بر علیه يك شر ذمه بخبر از همه جا که وقت و فرصت مدافعه ندارند ریخته و بهر شهری از انجمن ولایتی، و علماء و مشامیر آنچه و جرائدش سی چهل مکتوب فرستاده میشود و علاوه بر آن هر یکی بطرف خودش در هر ولایت دستور العمل میدهند که از آنچه نیز مکاتب در آت زمین تهمت و شکایت بفلان عناوین در فلان شهر برود و بالاخره بجهانی میرسد که جریده مهمی مثل جبل المتین که يك اندازه اطلاعات صحیح تر است از امور جاریه در مملکت آن اشارات تهمت آمیز را ماخذ قرار داده و در روی آن مقاله های اساسی بنویسد و مبارزه اتدال و انقلاب موهوم را تصدیق و یاور کند و به شریات اراجیف مغرضین که میگویند انقلابیون میخواهند با روس جنگ نموده مملکت را بساد دهند یا طرف دار پلتیک منحوس انگلیسند یقین نماید، در صورتیکه همین باین مطالب مواد

وقوت فوق‌الناده اجانب عدم موازنه عدم امکان جنگ بلکه خشونت، لروم قدری ملامت و مساعدت با حفظ حقوق استقلالیه را کاملاً قبول دارند و در این خصوصات مخالفتی بین فریقین نیست و هم انگلیس را عین روس و پلنیک تازه حکومت ایبرال و سر ادورد گری را بدترین قائل و دشمن استقلال ایران میدانند و این دو دولت یعنی روس و انگلیس را در امور ایران و سیاست دولت ما وجود واحد دانسته یک طرف گذاشته و صرف دیگر را اتحاد مملکت و از آن بهتر دولت عثمان میدانند پس چقدر بی‌اصافی است که اینها را انگلیس دوست فرض کرده و چقدر کوفه بینی است که انقسام دسته‌های ایران را از روی پلنیک روس از یک طرف و انگلیس از طرف دیگر دست لا والله.

این دو پلنیک امروز دیگر مثل سابق متصادف نیستند که تأثیرات متضاده جذب و دفع قطبین محاسب داشته باشد. هر یکس که خود را در سیاست عمیق‌تر فرض کرده و بصمیمیت این ائتلاف اعتماد و اطمینان قلب نمیکند سهوی نباید و (لرد هاردینگ) را که عمده منشاء این حادثات ایران است و عقیده او و (آرتور نیکسون و ادورد گری) را نمی‌شناسد و امید قلبی بحد عیبی و حیثیات باطنی آنها در حق ایران دارد یا فریفته و متعصب خیالات سابق است که انگلیس همسایگی روس را ضعیف نمیشود !!!

خبر انگلیس امروز لایحه خط هند و اروپا عجیبی را با روس مذاکره می‌کنند که از بادکوبه و آستارا، و مالتس، و رخت، و طهران و اصفهان، و یزد، و کرمان، و بلوچستان، تا کوهک عمده میشود، و قفقاز، را به هند متصل می‌سازد.

پس اگر اعتدالیون و احرار را در پلنیک خارجه بخواهید تقسیم کنید نباید اولی را روس دومی را بانگلیس نسبت دهید، بلکه باید چنانکه در اول هر بیضه دگر شد تقسیم را به نسبت آن (که جریان بزرگ اروپائی متخالف ایران و عالم را تحت تأثیر و تحزیه خود گرفته و مخصوصاً در مملکت ما این رقابت تازه حاشیای رقابت قدیمی تاریخی معروف دو همسایه که امروز از خوف خطر ثالث وجود واحد شده‌اند گشته) عمود یعنی اگر دو دسته در ایران پیدا شوند یکی آن خواهد بود که از شدت سرعوبیت جرئت و حفظ حقوق استقلالیه یعنی بین‌المللی بودن ایران نکرده تسلیم تحکات را صاحب اختیار و ارباب خود رو که باسم دول حامیه شش‌هفت ماه است در جرائدشان می‌نامند (protecting power) شده دیگری

آن است که طرفدار استقلال کامل و آزادی تام ایران و یک دولت بین‌المللی بودن آن و حامی درهای باز و روابط حسنه با کل دول خصوصاً آنها که حرکات خصومتکارانه دوباره ما کتر دارد باشد، یعنی وطن پرست حقیقی و ذاتاً طرف دار وطن فرماً طرفدار و محبت هر دولت که ممکن است به استقلال ما کمک کند و همین جا است جنگ عظیمی و مبارزه صلح بزرگ که یک سال و نیم است بعد از استقرار حکومت ملی و رفع تسلط محمد علی پیرزا که در پلنیک خارجه یک طرفی بود و به همان جهت هم انگلیس‌ها گاهی در برده اظهار خیر خواهی بملتیان میکردند که موازنه محذوف ماند ولی حد از محمد علی و تشکیل کابینه اولیه که هر دو دولت یک واسطه تأمین قلب و دل‌بستگی در آن داشتند و بهمین جهت آن کابینه را سخت نگهداری کرده سقوط آن و حکومت احرار را شکست خود و استیلای آلمان یا وطن پرستان نیز مرعوب تصور میکردند و بعد از آنکه هر دو دولت طرف ما یک قوه مصدر امر منحصر بفردی که هر دو علی‌السواء بود یعنی مجلس و ملت شد و حسد و رقابت را زمینه نماند اتحاد بیشتر و محکمتر گشت و مجالی برای تحزیه قوا نماند و وجود واحد شدند - چنانچه طهران جولانگاه آن مبارزه شده و در آشاکش عظیم افتاد.

آری سر این حوادث را در حفظ وطن و عدم تسلیم کلاه ناخقیار یا تماشای مرعوبانه و انداختن یک استخوان باره از امتیازات برای کشتارهای گرسنه رای آنکه تا مشغول خوردن آن باشند، و بقول حضرات افاضه حاصل و به فلسفه و نظریات آقایان فرصت برای جمع کردن دست و پای مان پیدا شود، غافل از آنکه حرفان بقدری شکم بزرگ و دهن فراخند که یاره استخوان را در یک تایی راست بلعیده و فرو میدهند و بایک اشتهای متهیج عظیم دو باره فوراً بی‌آدم دویده هل‌من‌مزید گویند و تا همه دارائی ما تمام نشود دست بردار نیستند، باید دید نه در انقلاب موهوم و داخل کردن یک دوست معروف انگلیس را بفراط در آن جمع‌همه پا در اعتدال موجود که یک دوست روس هم در آن داخل است، گویا از این بیانات بقدر کفایت معلوم شده باشد که انقلاب و انقلابیون معروف که مقاله‌ها بدبختانه روی آن نوشته شده مثل سیمرغ و عنقا و بعبارت واضح مثل چرخ دوار مند است که حضرت عالی که در آنجا تشریف دارید بهتر میدانید که این چرخ بر از علوم دنیا در کجا است !

یعنی متهمین باین اسم از راه حیدر و عدالت

§ لارڈ لنگٹن در مجلس اعیان انگلستان پرسش نمود کہ در خصوص معاہدہ روس و آلمان منبأب ایران و عراق عرب چه اثر ونتیجہ بر منافع دولت انگلیس باید خواہد گردید؟

§ لارڈ مارلی جواب داد کہ بین دولتین روس و آلمان تا کنون مذاکرات جاری است ، ظاہر است کہ من در این امور مستور عملاً هیچ نمی توانم بیان نمود چگونہ میتوان در این باب صحبت کرد کہ بر منافع دولت انگلیس چه اثرات خواہد بخشید چه امری بین دولتین نصیبہ نیافتہ است - دولت انگلیس در حفظ منافع خود نگرانی و بدوایت روس نیز اطلاع داده شدہ است

§ اول آف کرو - در مباحثاتی کہ پس از نطق اعلیحضرت جارج در پارلمان شد اطہار داشت کہ امنیت طریق تجارت در جنوب رخی ترقیات نموده ما تا جایکہ ممکن است مستقل و نابت قسم خواهیم بود و در صورت اجبار با کمال بی میلی حاضریم کہ ایران ہندوستانی برای ترتیب پلبس ایران بقرض بدیم وما ہمیشہ مائلیم کہ بہ بینیم ایران بیسای خود بہ ایستد و ترقی نماید - و کان میکنیم کہ روزی بیاید کہ ایران حسن نماید ضرورت تأییدات خارجی را در اصلاحات داخلی خود

(۸ فروری - ۸ صفحہ المظفر)

§ يك از مبعوثان فرقه یونانست (مستر لاید) در پارلمان پرسش نمود آیا در مسئلہ راء آہن بغداد کہ بین دولتین روس و آلمان معاہدہ شدہ جایگاہ ما محفوظ مانده است ؟

§ مستر مکنن وود معاون وزیر خارجہ اطہار داشت کہ مباحثات با آلمان و روس مربوط بہ منافع آنان است و هیچگونہ در منافع ما خللی وارد نیست ، معاہدہ ما با روس هیچگاہ مخاف با دول سائرہ نبودہ است

§ مستر لاید در ضمن تریب اطہار داشت کہ راء آہن بغداد روز بروز بطرف ما پیش می آید و حفظ اقتدارات دولت انگلیس کمال ضرورت را دارد دولت انگلیس خواہمان ترقیات دولت عثمان است ولی مائل می باشد کہ در صورت دخالت دیگران آنان نیز ذی مدخل باشند ، بہر حال دولت انگلیس راست کہ در خلیج فارس کاملاً اختیارات خود را قائم دارد چه حفظ و امنیت ہندوستان مربوط بر آن است پس از آنیکہ خلیج فارس کاملاً بن المللی شود مشکلات دولت انگلیس عظیم تر خواہد گردید

§ مستر مکنن وود معاون وزارت خارجہ جواب داد کہ دولت روس در منطقہ نفوذ خود کہ بر حسب معاہدہ ما تسلط کردہ ما با آلمان در خصہ

وغرض توضیح اصلاً فرقه نبودہ و اسمی نداشته و قطعاً جمعیہ انجمنی ، تبادل افکاری ، تشکیلاتی ، نداشتند و قریب ہشت ونہ ماہ با کمال صبر و تحمل فوق العادہ بر حملات طرف مقاومت کردہ اتحادی تحت يك اسم و فرقه نمودہ منتظر تمام شدت این بازی ما و دل کردن طرف ہم بودند ، لیکن پس از یاس مطلق و مغلوبیت در ہر رای و انتخاب و ہر موقع لازم الاتحاد بواسطہ تثبیت آراء و سادگی و بیطرفی و مستقلی افکار اینان و ترتیب حاضر کردہ و اتحاد و دستہ بندی طرف و تریب ہر رای در کلوب پیش از وقت مجبور بہ تجسیم و روی کاغذ آوردن مسلک ذاتی احرار و خیالات مقاربتہ ایشان شدہ جز فرقه دمکرات ایران کہ امروز مرتب ترین فرقہ سیاسیہ ایران و مستقل الافکار و آلت دست هیچ فرقہ و پلٹیک دیگر نیستند گردیدہ مسلک خود را رسماً اعلان کردند و پس از ایفقرہ هنوز اشخاص مفرض کہ نمیخواہند دست از افساد بکشند اسم خود آن فرقہ را بار ندادہ اسمی را کہ مخالفین روی آن گذاشتہ بودند متصل تکرار می کنند (در افواہ یا جرائد) و امروزہ جمعی کہ سابقاً در مقابل اعتدالیون در نزد پیفرضان باسم احرار موصوف بود (چنان کہ جبل المظن کہ کہتہ) بہر اوائل این لفظ را استعمال میکرد ، رسماً دارای مسلک دموکرات و جزو آن فرقہ اند

تذکرات راجع ماہران

(۶ فروری - ۶ صفحہ المظفر)

§ اعلیحضرت جارج بیچم ضمن نطق افتتاحی پارلمان اشارہ بہ مسئلہ ایران ہم نموده چنین میفرمایند در راء های تجارت جنوبی ایران قدری امنیت شدہ ، ازین رو وزرای ما در زور دادن بحریکات خود تاحیر را جائز دانستہ ، چه غرض وزرای ما از این تحریکات جز این نبودہ کہ دولت ایران را مزید اقتدار فرام و راء های تجارتی مأمون ماند

(۷ فروری - ۷ صفحہ المظفر)

§ صنیع الدولہ وزیر مالیہ را کہ دو نفر ارامن رعیت روس در حین معاودت از مجلس بر او شلیک نموده این جہان فانی را وداع نمود جانیان کہ در نزد يك ریوالو (ماؤزر) بود پلبس گرفتار نمود و دو حین گرفتاری یکی از آفات مجروح شد ، سنارت روس جایات را باسم اینیکہ رعیت اویند طلب می نماید ، این واقعہ کہ متعاقب حملہ کہ یکی از رہابای روس بر حکومت اصفہان نمودہ بود و قوائیل روس از تسلیم نمودن وی ابا وامتناع کردہ سبب گردیدہ است کہ يك ہہجان عظیمی در اوراشان و خلاف خواہہ شدہ نام

راه آهن آبخا گفتمندو می باید و هیچگونه در
اقتدارات دولت انگلیس در خلیج فارس تبدیلی
واقع نشد. و اتحاد مارا تا روس حلی پیش آمده
و دولت روس دولت انگلیس را در محاورات تا
آلمان کایتاً اطلاع میگذارد

(۹ فروری - ۹ صفرالمصفر)

در جواب سؤالی . سائت وزارت خارجه
اطبار داشت که در ماه ایران ، روس و آلمان
تا دیون هیچگونه امری تصفیه اندک است .

لا حوت باصراحت با اسامه بهادران باز
آمدند .

§ در ضمن آسیای وسالی (کرولایت) مذاهب
راه آهن هند و ایران لایحه تقریر نمود . و عقیده
او این است که او را ایران مستقل هندوستان
خواهدشد . از صبح و مسلمانان افغانستان گملاً ممکن است
که راه آهن ترکستان هندستان الحاق نماید . اگرچه
تحریرك دولت در این ماده باغ نظر میرسد ولی
برای مقاصد ما حلی از خوف هم تصور نمی شود .
کرول موصوف را عقیده این است که اگر راه
ضارون را به تقریر بیاورد و ماسوم يك درآراد
تجار قرار بگیرد منافع متصوره راه آهن روس
و هند صورت انجام به بدبرد . در آن صورت راه
آهن مجوزه سر تا با مناعتی باید بر روس خواهدگردید
بین المللی شدن این راه آهن نباید مخصوص يك خط
مستقیم باشد بلکه باید کلیه شاخهای او نیز بین المللی
قرار گیرد . راه آهنیکه هند را متصل اروپا نماید
جز ایسکه از وسط ایران نگذرد دارای هیچگونه
منامی نتواند ود

§ وقایع نکار دیلی میل از اسلامبول خبر میدهد
که رفعت پاشا وزیر خارجه در جواب سؤالی ایقان
بانحداد و دوستی با انگلیس داده و درخصوص راه
آهن بغداد با دولت انگلیس عنقریب شروع بمراسلات
رسمی خواهد نمود دولت عثمانی در محافظه اعراض
انگلیس در خلیج فارس حاضر است . رفعت پاشا
را عقیده این است تا اینکه اعراض انگلیس درین
ماده زیادتراست معذالك با سرمایه فرانس وانگلیس
باید این راه تکمیل شود . فعلاً درین خصوص تا
کیان راه آهن بغداد آغاز بمراهله شده . از آن
بعد تا دولت انگلیس مراسلات شروع خواهد شد
و مسئله محافظه کویت نیز در آن مراسلات تصفیه
خواهد بدیرفت . و عقیده وی این است که این
اقدامات کاملاً ناشی بخش خواهد بود

(۱۱ فروری - ۱۱ صفر)

این ایام مسئله راه آهن بغداد تا منتهی شود
مخلیج فارس خیلی موضوع بحث است و راه

ترقی و تصفیه این مسئله مباحثات جاری است باجالی
بدولت انگلیس اطلاع داده که خواستن او این است
که در خصوص راه آهن بغداد مجوزات جدید پیش
باید . دولت انگلیس نیز اظهار نموده است که در او
دوستانه ور میکنند . ولی حقیقت مسائلی که پیش
خواهد شد هنوز سیر معلوم است

§ مسر طالق یکی از مایهگان بانک شاهنشاهی
که بطرف نزد میرفت در شرک احمد از درداش
حلت کرده و آنچه داشته برد اند

حکایت حبل المتین

همدک در آخرین سوخته سرادوردگری مذاقه
و ملاحظه تقریرات پارلمان و مجلس اعیان انگلستان
بشود سره حکمت پیش آمد چند واقعات آشکارا
تواند گردید . این واقعه دووقته قونسل اصهبان خود
آورد و یکی از شاهکارهای پلندیکی و برای فشار
و تصبیق ایرانیان است و هر قدر ایرانیان در تعمیل
فرامین همسایگان خویشتن را حاضر سارید فرمایشات
آمان پیش خواهد گردید)

§ موحث خریکه ارطهران رسیده (مسیو باگور
اسوالسکی) قونسل جنرال روس مقیم اصهبان در جاه
حاه خود مفروق یافته اند . و چنان تصور می شود که
این واقعه تلاحمه حمله ایست که يك از رعای روس
رحکمران اصهبان نموده و در قونسل حاه بیامنده
شده بود این واقعه پیش آمده است ولی تاکنون
هیچگونه نبون برای این واقعه بدست نیامده است

حکایت حبل المتین

ظاهر است که در عوالم پلنیک هائسیمی که قتل
وزارت طایفه يك دولت دارای اهمیت بیست چشم
پوشی از يك جنرال قونسل هم مشکلی نمیباشد و
میتوان گمت که این واقعه نیز یکی از نیرنگهای
روسیان بشمار است و اگر پلندیکی ندانید باید گفت
از او شامیین است که در این سرمای اصفهان
قونسل مشاعر الیه نوشیده عقل خود را ناخته
ببای خود خویشتن را در جاه اداخته است . این
است یکی از حکمت های حرمت شراب که صاحب
شریعت مطهره فرموده است

(۱۲ فروری - ۱۳ صفرالمصفر)

§ بطریق نیم رسمی در پترزبرگ اعلان یافته که وقعه
خرق قونسل جنرال اصنهان اتفاقیه بوده است
§ تلگراف پترزبرگ طاسر میدارد که نظر به
امنیت وسطی ایران دولت روس تصفیه نموده آ
قشون خود را از قزوین طلعبه نماید

(جبل المتین کالکتہ)

(ہدیگیل کالج استریت نمبر ۲)

HATTEL HATIN OFFICE
1, BRIDGE STREET, CALCUTTA

(کلبہ امور ادارہ ما)

(مدیر کل مؤیدالاسلام است)

(مردوشنہ طبع)

(رسہ شبہ وریع میشود)

(یوم د، شبہ)

(۲۰ صفر المظفر ۱۳۲۹ ہجری)

(مسیاد با)

(۲۰ فروری ۱۹۱۱ میلادی)

و بلا حق اخذ ہونہ بدون قبضہ تدارک و وفق
(مشترکین را قبضہ مخصوص سال ہیجدهم . ت نہاد)
(ذمہ شان بری شناختہ نمیشود)

(قیمت اشتراک)

(سالانہ — شیش ماہ)

(ہند و برہ)

(۱۲ روپیہ — ۷ روپہ)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران — ۲۰ قران)

(عثمانی و مصر)

(۵ مجیدی — ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

(۳۰ فرانک — ۱۶ فرانک)

(روس و ترکستان)

(۱۰ منات — ۶ منات)

سنہ ۱۳۱۱

المتین

مراسلات خصوصی بدون اجہای

(معروف ادارہ درج نمیشود)

در این جریدہ از ہرگونہ اخبار و وقایع سیاسی و سابع دولتی و فواید ملی بحث میشود
(مقالات عام المنفعہ مہبول و در اشارش ادارہ آزادہ ت)

روز علائم انقلابات در روسیہ

ملت روسیہ از سی سال باین طرف از فشار استبداد دولت خود بستوہ آمدہ در ہر موقعیکہ اندک قوای دفاعیہ خویش را مہیا دیدہ در قلع و قمع اساس استبداد حرکتی جانانہ نمودہ اند، ہیجان آزادی خواہان روس در پنج سال گذشتہ حسب آزادی را در کلبہ عناصر روسیہ ریشہ دیوان کرد، سیاسیون روس ہموز اینکہ موقع را شناختہ تغییری در وحشت کاری مای خویش دادہ بوسائل حکمانہ سدی در جلو ہیجان آتیہ بہ کشند قوای موقتی ظاہرہ مفرور شدہ آن بان بہ سختی و خشونت خود نسبت با آزادی خواہان می افزاید، و آتش ہیجان را با خار و گلخ خشونت مستہر میخوانند، و بخام طبعی آسودہ می نشینند و دم را عنینت دانستہ بفلبغہ دو روزہ دلخوش می شود، ولی غافل از آنند کہہ این گونه جلوگیری ہا از ہیجان ملی متدرجاً قوت آن را بیش نمودہ ہمینکہ موقع باید مانند کوب آتش فشان دمان باز کردہ جبہ آن خار و خسپا را درہم بسوزاند، چنانچہ از سہ ماہ باین طرف آثار ہیجان در عناصر مختلفہ روسیہ بیدار سرآ و علناً برخلاف وحشت کاری ہای دولتبان زمزمہ آغاز نمودہ تا در این اوان و حسب تلکرافات در پترسبرگ وسائر بلاد روسیہ شاگردان

مدارس مقدمہ الحیش ابن ہیجان گردیدہ اند آنچه از قرآن سیاسیہ مسلم است دولت روس نہ تنها من بعد مقدمات اولیہ خود را حائر نتواند شد، بلکہ ہمہ روزہ از حیثیت او کاستہ خواهد گردید، دولت روسیہ کہ در زورخانہ سیاست اول میدان دار بشاہر بودی تمام بواسطہ قوای عسکریہ نبود، خصوصاً از بعد جنگ عثمانی تا قبل از جنگ ژاپون دولت روس حیثیت و مقام خویش را در سایہ ہیمنہ و رعب از یش بردہ بود، یعنی آنچه را کہ روس از ہیمنہ حاصل می نمود دہ بکش را بہ استعمال قوای عسکری حاصل نمی کرد، ژاپون جوان ہا تھا عساکر روسیہ را درہم شکست بلکہ ہیمنہ او را کہ علت اللعل تقدمت بود بک دفعہ محو و معدوم ساخت، و فرض کہ روسیہ بہ سرعت بتواند قوای عسکریہ خود را بصورت اولیہ باز آرد، ولی قوی میخوانند کہ ہیمنہ اولیہ خویش را کہ مایہ بشرفت سیاسی او بود بچنگ آرد، از این رو دانایان چنین بنداشتہ اند کہ تا چند سال دیگر دولت روس یکی از دو حال را کسب خواهد نمود، یا از برکت ہیجان ملی کسب بکصورت مشروطیت صحیح نمودہ در آن حال ماجرا برای اصلاحات داخلی کف بد از تجاوزاتیکہ مسلک دانشی روس بودہ کردہ، در این صورت اگر موقفاً ولو

دولت روس در حال وقوف ایستد ممکن است در آیه بواسطه کثرت نفوس و وسعت خاک حائز بیک مقام رفیعی گردد، ولی با این عناصر حکومت موجوده وجود چنین مشروطه صحیحی که هیچ گونه فرقی بین اجناس رعایای روسیه نگذارد مشکل است بزودی در روسیه موجود شود یا کسب یک صورت انقلاب عمومی که منجر بجزیه خاک روس و ملوک طوائفی این مملکت و سبب شود خواهد گردید و بیشتر دانیایان این پیش آمد را در روسیه نزدیک محصول بینندارند، در آن صورت مسلم است قفقاز و ترکستان جزء ایران و قریم و سواحل دریای سیاه شامل عثمانی و لهستان ملحق به آستریا و آلمان. و فلذند بیک عمارت خود مختاری خواهد گردید، و یک حکومت جمهوری بر سایر خاک روس در پترسبورغ تشکیل خواهد یافت. و پیش آمد چنین روزگاری در روسیه بظاهر خیلی نزدیک رسیده چه از یکطرف موادهیجان در کلیه عناصر ملل مختلفه که در تحت فشار روس اند همه روزه در غلیان است از طرف دیگر تمام مسلمانان عالم از فشارهای مذهبی بستوه آمده صبر و توانی شان تمام گردیده است، و نیز فلذند بهیجا استفاده شان طالبی را بر کرده حتی دو حصه از عناصر ملت روسیه را هم از وضع حکومت حاضره مستعد همه گونه هیجان نموده است.

یکی از دانیایان راست « هر شب که بخواب میروم یا انتظار انقلاب روسیه علی الصبح چشم باز میبایم » مواد و تکایه در روسیه کاملاً موجود و منتظر است که در یک نقطه دولت را سرگرم دیده آغاز بشود ایشان باید.

چنانچه سرگرمی روس را به ایرات خیلی منتظر بودند این بود که دولت روس این نکته را دانسته با کمال سرعت سعی گردید که توجه انقلابیون روس را از ایران منصرف دارد. چه اگر خود را سرگرم ایران می ساخت هیجان مذهبی مسلمانان و انقلابات بلتیکی ملکی را دچار شده و خامت عطشی را بر خود وارد می آورد. و سال های دراز خویشان را بیک زد و خورد بی منتفی دچار می ساخت، اینست که یک از رموز دانیایان گفته « روسیه تا جائیکه نتواند مقاصد اقتصادی و

سیاسی خود را با هیبت و تشرهای تو خالی از ایرانیان حاصل نماید خواهد نمود، و هرگاه که ایرانیان تشر نخورده از اجحافات روس سرناز زنند روسیه فوراً سبب انداخته راه خویش خواهد گرفت، یعنی سیاست داخلی و خارجی ادا روسیه را اجازه نمیدهد که با ایرانیان نزد و خورد و خصومت بالمقابل خویشان را دچار سازد.

نبوت این مدعا را میناید وقعه قوئسل جنرال روس در اصفهان و مایکات ایرانیان از امتعه روسیه و مستعد شدن شان در دفاع حقوقی که فوراً سبب تصدیق امنیت ایران و زمزمه دولت روس در اخراج قشون خویش از قزوین گردید.

آری ایرانیان اگر مقتضیات سیاست را شناخته بودند تا این درجه در مقابل اجحافات همسایگان سبب می انداختند و به تملق و چاپلوسی اباس مرعوبت و با هم نزاکت شناسی در نمی کردند، و سبب بنیان کن سیاست را به تو ببری و ما بمیریم یعنی بخصوع و خشوع و ناز و نیاز مندی جلو گیری نمیخواستند تا این پایه همسایگان شان بر آنان جری نمیگردید، اسان عریص طماع هر قدر خصوع و خشوع بند بر سرور و نخوت خویش افزاید و همین قدر که سر بچی و سر کنی دید ولو اینکه ایان غلبه بر خصم داشته باشد تصور زیانات خصومت طبعاً او را سرعوب ساخته زودی مستعد مهاجمه نمیگردد، بعینه همان حال مرغان جنگی را دارد که تا حریف از جلو شان بدر نرود در تناقضش تعادل دارند.

چیزیکه امروزه توجه دانیایان را با انقلابات داخله روسیه بیش از پیش متوجه ساخته همانا توجه دولت روس بطرف منگولیای چین است، اگرچه رموز دانیایان چنین نداشته اند که مقوی اعصاب و خاوت زده روس ملاقات پورنسدیم و تشجیبات امپراطور آلمان است، ولی نظر بر اینکه در هر آنجا که آلمان با روس نموده یک گونه قنای سیاسی برای روسیه تهیه بوده است، در صورتی که امروزه چین ساکت ماند و به تعدیات روس تن در دهد در آینده همان نقشه ای که در منچوریا برای او پیش آمد در منگولیا هم پیش خواهد آمد، مسلم است ژاپون نخواهد گذارد دولت روس در خاک وسیع منگولیا نظیر

گرفته در آینه بسده تلافی از وی برآید، همین قسم امریکا و انگلیس و فرانس نیز بنا بر منافع خود رضا به استیلای روس بر چین نتوانند داد، علاوه بر اینکه چین امروزی غیر از چین بیست سال قبل است و گمان نیرود که به آسان با بنگونه اجحافات روس تن در دهد و اگر در مقابل روس جلالت شعار نموده بایستد معلوم نیست که روس از عهده چین بدر آید و بر فرض تصور که آلمان به تأیید روس قیام کند بعید نیست که هیجان عظیم و مخالف کلیه خارجیان در چین منصفه شود رسد و در آن صورت هم اگر وقعه (با کسر) تجدید شود باز هم نفع را ژاپون خواهد برد، و روس بعد از خسارهای بزرگ و شرمندگی های اوپه اش خواهد انزود

علت تجاوزات روس در منگولیا بیشتر بر قابت دخالت های ژاپون در منچوریا است، ولی اقله اراتیکه ژاپون در منچوریا حاصل تواند نمود روسیه را در منگولیا حاصل نتواند آمد، و مرگه دولت روس در منگولیا مشغول مناشه با چین گردد بر قوت آزادی خواهان داخلی روسیه خیلی خواهد افزود و آنچه را احرار روسیه در سرگرمی روس بایران منتظر بودند، در صورت اشتغالش به منگولیا حاصل خواهند نمود، در حال میتوان تصور کرد که یکی از مواقع نیکو برای ایرانیان همین موقع است، مشروط بر اینکه ابراز فعالیت داده تا زمانیکه روسیه بر شرق الشرق به تکاپوست خویشش را دارای یک قوه نظامی صحیح بنماید و به این امر رعایت روس از منگولیا اعم بر اینکه فتح باید یا شکست خورد به فشار ایران و عثمان بیش از پیش خواهد افزود ایرانیان این نکته را نیکو بدانند که اگر بین دو سه سال دارای یک قوه نظامی صحیح که اقله صد هزار نفر باشد نشوند محال است استقلال ایران محفوظ ماند - پس اگر وکلای ما - وزرای ما - احزاب سیاسی ما - مجاهدین ما - اعیان ما - اشراف ما - علمای ما - تجار ما - اسناف ما - ناطقین ما - راهی غیر از این نبیند ره پیموده پیوده و خیالی بس خام کرده اند، و با همین طعنه کثونی ایران اگر اصراف

کاری را کنار گذارند و طرف عمده مصارف را مخارج قشونی قرار دهند از عهده تشکیل صد هزار قشون مخوی تواند آمد، و این نه تنها را هم بدانند که بدو قوای نظامی هیچ دولت بلکه هیچ امارت اتحاد سوق عسکری با آنهاست نخواهد کرد، و بر فرض هم که بکند قطعاً در سالهای هان اتحاد استقلال خودمان را خواهیم ساخت یعنی هان اتحاد گرگمان خواهد شد بجات ایران در تشکیل قوای نظامی است و پس و هر نشینی غیر از این بشود نقش بر آب است،

یکی از واقفان رموز و ایرانی خواهان حقیقی از بران عنوان ذیل را نگاشته

« ایرانیان در این يك و نیم سال اخیر هیچ نکرده، چه اولین وظیفه آنها اصلاحات ضروریه قشونی بود و از آن بعد اقدام در ترتیب قشون ملی از روی علم باصول آلمان، اگر ایرانی ها از روی صحت کار کرده بودند با همین مصارفی که بی ترتیبانه شده دارایی شصت هزار لشکری که مقتدر بر امنیت داخله و حفظ سرحدات باشد گردیده و همه ساله بیست هزار نفر هم از روی قرعه قشون ملی اضافه می توانستند بکنند، در آن صورت برای راه آهن بغداد و اتصالش بایران، ما آلمانیان ناچار نمی شدیم که روس مراحت کنیم و نیز از خطایای ایرانیان آنکه در این دو ساله شاگرد برای تکمیل و حصول تجربه باروب فرستادند و اگر از ابتدا شروع باین کار شده بود يك سال بعد جماعت از شاگردان ایرانی برای خدمات وطن خود حاضر شده بودند، افسوس که ایرانیان همان قسمی که در تشکیل قوای نظامی با اقدامات واهی قناعت کردند در این امر اهم نیز تسامح را از دست ندادند »

بلی به اتفاق دانایان ایرانیان در این دوره يك مهلت عمده را مهمل صرف کرده در آینده نیز چه خواهند کرد غیر معلوم است، ولی چنانچه بارها نوشته ایم باز هم می نویسم، استقلال ایران به ترتیب قوای نظامی است و بطریق شرب الیهودی که تا کنون شمار ما بوده استقلال مملکت باقی نتواند ماند

تلاکراف مقام منبع ریاست روحانی اسلام
(به اعلیحضرت امپراطور روس)
توسط جناب جلالآباد سفارت دولت بریه روس.
حضور اعلیحضرت امپراطور اعظم روسیه.
پس از تقدیم احترامات شایان آن مقام منبع معروض
میداریم، در چنین موقعیکه ملت مظلومه ابرایه در
در عابله بشریت از قدیم ترین اولاد است بحسن
دلالت و هدایت پیشوایان روحانی خود از اسارت
زنجیر و رقیق را که از حکام استبدادیه در گردن
و از سعادت بشریه محروم شان داشت بیک هیجان
ملی گسیخته، بعد از چه فداکاریها و قربانیها بمقصد
ناآل و به تشکیل حکومت شورویه ملیه بر اساس
قوم مشروطیت موقتیت یافت. با اینکه بطر بسوابق
و دادیه و استحکام روابط جواریه میانین ملتین
ایران و روس چنین مترقب بود در این اولین قدم
که در ترتیبات اساسیه خود باطبیعه دوجار مشکلات
داخلیه است دولت و ملت روسیه بوسیله حسن
مساعدههای مقتضیه روابط دوستانه را محکم و حقوق
جواریه را ادا خواهد فرمود: متاسفانه ضد آنچه
عامل بود کارگذاران روسیه در ایران همه روزه
رای ملت و دولت تازه راه افتاده چه اشکالات
جدیده تولید و طریق سعادتشان را بچه سدهای
آهنین مسدود ساخته. اولاً قشون خود را بیانه فتح
طریق ارزاق برای تبریز (در صورتیکه قبل از آن
منتوخ شده بود) و اسم حفظ قونسلات (در حالیکه
کاملاً محفوظ بود) به آذربایجان و بعد ازین هم باسم
حفظ تجارت (با اینکه همیشه محفوظ بوده و هست)
بمزورین و نقاط مهمه دیگر سوق نمود. پیوسته
مداخلات غیر قانونی و مزاحمت استقلال شکنانه و
جری - اختن مفسدین و بناء دادن به باطنیات
مملکت و برخلاف قوانین مسلمه عالم و حقوق بین
المللی تذکره تبیت و حمایت بدست آنها دادن الی
غیر ذالک، از اقدامات غیر حقه حقوق ملت و
استقلال ایران را پای مال و اوقات اولیاء دولت و
ملت را از اصلاحات مملکتی و ترقیبات اساسیه باین
مشکلات متعاقبه مشغول و مصروف، و با اینکه
بالبدیهه مقاسد مترتبه بر وجود قشون اجنبی در
مملکت و مداخلات غیر قانونی کارگذاران آن دولت
بریه در امور داخلیه ایران ممکن الارتفاع بیست الا
با عاده قشون و رفع ید از اینگونه مداخلات
استقلال شکنانه، مهترها عاده آنها را بارتفاع مناسد
مترتبه بر وجودشان منوط فرموده ماند.

اگرچه سابقاً مناسد مترتبه بر این رفتار ماورین
روسیه را در ایران بحضور اعلیحضرت امپراطور تلاکرافاً
بتوسط سفارت کبرای ایران معروض و اعاده عساکر روسیه
و عدم تحقیر اساس دینت و عزت نفوس مسلمین
را از آن مقام منبع درخواست نمود. اوائل ورود
جناب اجل قونسول حالیه بغداد هم باقتضای وظیفه
مقامیه و حقوق جواریه مراتب مایوسی رؤساء روحانی
و عموم مسلمین را از این وضع و مؤدی شدن آن
بالمجوریه به گسیختگی روابط جواریه و تجاریه
و غیرها بتوسط آن جناب اجل مشروحاً معروض
و اعاده قشون روسیه از ایران استدعا شد. در جواب
این مکتوب هم اخبار رفتن جمله از عساکر روسیه
از ایران و وعده عاجله اعلیحضرت امپراطور
باعاده بقیه و آن جناب اجل ابلاغ و برعی بودن
حقوق ملت و رعایت استقلال ایران کاملاً امید و
آرمان نمودند. لکن تا بحال در انجام آن مواعید
هیچوجه اثری طامر نشده. بواسطه همین طول
اقامت قشون روسیه در شمال ایران است که
دولت فخریه انگلیس هم در مقام اجراء همین معاملات
در جنوب بهمین بهانه های بی منشاء و هم عنایت
شدن با آن دولت بریه در تثبیت ناحق برآمده اند
مقام ریاست روحانیه اسلامییه بازم باقتضای کمال
امیدواری بمراتب حق برستی و نوع خواهی و آزادی
بروری اعلیحضرت امپراطور و حسن رعایت
اولیاء آت دولت بریه از حقوق جواریه رجاء
و ائق دارد. انشاءالله تعالی تضییع حقوق ملت
مظلومه ابرایه و هدم مبانی آزادی و استقلال
ایران را زیاد بر این روا نداشته اعاده قشون
روسیه در ایران و رفع ید از مداخلات استقلال
شکنانه اوامر عاجله شرف اصدار و مایوسی علماء
و قاضیه مسلمین را با امیدواری کامل مبدل و گسیختگی
روابط و دادیه و جواریه و تجاریه را نخواهند داشت.
و ریاست روحانیه اسلامییه و قاضیه مسلمین را از
تکالیف دینه که لامحاله بر این تجاوزات و مداخلات
غیر قانونی که بالمجوریه مترتب خواهد بود آسوده
و دولت فخریه انگلیس را هم از این خیالاتی که
محض همانان شدن با دولت بریه در صدد برآمده
بالتبع منصرف خواهند فرمود
روساء روحانی اسلام علماء محف اشرف
محمد کاظم الخراسانی
عبدالله المازندرانی

بر دست جیب طبقات و عناصر اردبیل
 طهران - سفارت کبرای دولت علیه جهانی، و
 سفارت آلمان، فرانسه، آمریکا، اطریش، هولند، ایتالیا،
 بلژیک، بدو بار حریت مدار دول معظمه، توسط سفرای
 جلیله مقیمین طهران، با احترامات فایده تقدیم میداریم
 در این عصر تمدن قرن بیستم که شع مدنیّت
 و عدالت تمام اقطار عالم و ساکنین انرا احاطه،
 احساسات نوعی همکسلساسل بشری، و بالاخره با هماتی
 ما ملت ایران که از دیرباز گرفتار غفلت و جهالت
 بودیم جایگیر، و ادار بر این داشت که از تحت و قیّت
 حکام مستبده خلاص و به تاسیس اداره شوریه ملیّه
 نایل آید، آن بود که با فداکاریهای مراران نفوس
 و اتلاف ملیونها اموال در ظرف این چهار سال
 مقصود مشروعه ملیّه خود که در واقع به تعاون
 و تجویز مقام منبع روحانیت اسلامی بود موفق شدیم
 واضح است که تبدیل اداره قدیمه متضمن شورش
 موفق بعضی طبقات کهنه پرست می باشد، این مسئله
 اختصاص بمملکت ما نداشته، تاریخ دوره انقلاب
 کلیه ملل متمدنه بصدق عرایض ما گواه صادق است،
 از آنجائیکه تغییرات اوضاع حکومت و تشکیل اداره
 مشروطیت مخالف با مقاصد دوز مسایه ما دولت
 بیّه روسیه بود، لهذا بعضی اغتشاشات حادثه را
 در معنی از هم پکات سری و حمایت علنی کار گزاران
 دولت بیّه ناشی بود اسباب بهانه قرار داده در حالتی
 که خان و مال کلیه اتباع خارجه کاملاً محفوظ بود،
 و هست نیز به عنوان حفظ تبعه عساکر خود را
 وارد بلاد ما نموده برای عملیات حق شکنانه و
 تجاوزات مستبدانه که بتقویت منوی متعاهد خود
 دولت بیّه انگلیس، از آن جمله فقره رحیم خان
 قرچه دامی و خاراب میرزا وغیره و افتتاح ابواب
 قونسولخانها و سرحدات بروی اشرا فرام، بدین
 وسیله اوقات مصادر امور مملکت را ضایع، و ارکان
 امنیت و بنیان استقلال مملکت ما را متزلزل، خصوصاً
 اتومات یادداشت آخره سفارت انگلیس نزدیک است که
 یک باره و شفته امنیت و حریت ما را از هم بیاشد،
 علاوه بر این ما رؤسای عساکر روس از روز
 ورود مشغول بساحت نواحی و شاره نفوس خنهای

عساکرش از رفتارهای درشت و تجاوزات
 وحشیانه بجانب و مال اهل شهر و بازار
 بیبوجه مضایقه نداشته و ندانند، و بعضی حایم
 را جبراً نخلیه محل سکناهای عساکر و انبار اسباب
 حریت خود قرار داده و اتصالاً دو تزیید قوه
 ناریه است، علی هذا با کمال احترام مراتب نفر و
 عدم خوش وقتی خودمان را از طول اقامت عساکر
 و یادداشت اخیره همسایگان مقام منبع دول معظمه
 و ملل متمدنه عالم تقدیم نموده بنام حریت و انسانیت
 در عالم نوع برستی و حریت بروی محور استقلال
 یک مملکت شش هزار ساله که تازه خود را از چنگال
 استبداد رهائی داده راضی نشده از تشبثات متجاوزانه
 این همسایگان محترم خلاص، عالم انسانیت و اسلامیت
 را قرین تشکرات صمیمی فرمایند،

تلاکراف منصور السلطنه

(یلحانی ییل عرب از ولسنجان بطهران)

توسط آقای حاجی محمد کریم خان وکیل ییل
 قشقاقل دام اجلاله، بساحت مقدس شورای ملی شیداده ارکانه
 از قرار اخبار وطن برستان مشاهده سرگ
 خیل گواراتر از استماع آست، که تلاکراف از وزارت
 امور خارجه دولت فخریه انگلیس در باب تنظیمات
 داخله ایرایش در موعده سه ماه بدولت ایران
 مخبره کرده در صدد بهانه جوئی بر آمده
 اگرچه فدائی وطن از شیراز و اخبارات دور، و با
 عشار جعی خود در قشلاق قریب بندو عباس
 ساکن، ولی نظر بوظیفه وطن پرستی و وجوب حفظ
 حقوق که بر هر فردی از افراد لازم است
 لزوماً جبارت میباید، در بازار خریداری یوسف
 عزیز وطن مقدس خود را کلاف ما قابل عرضه
 میدارد، اگر اینگونه اخبارات واقعیت داشته باشد
 ده هزار نفر سوار و پیاده رشید جنگ آزموده
 از جان گذشته مسلح باسلحه جدید خود حاضر است،
 در هر نقطه که وزارت جلیله جنگ امر و مقرر
 فرمایند با کمال وجد و انبساط با نهایت استقامت تا
 آخرین قطره خون خودمان قربانی شرف قومیت و
 اسلامیت و استقرار مشروطیت و بقای مجلس شورای
 ملی سازیم تا بر تمام متدینین عالم واضح گردد که

◀ لایحه کتبه سعادت ایرانیان اسلامبول ▶

◀ هذا کتابنا یطلق علیکم بلحق ▶

امروز جای هیچگونه شبه نیست که وطن منحصراً در خطر و دچار هزاران گونه فَلَکَت و بلاهای جان کنناز خانه برانداز است. بی دشمنان ما بیکاره برده و از روی کارکنار و افکار ظالمه و اندیشه های عداوت خوره را در حق وطن عزیز ما که در سینه می پرورده واضح و آشکار نموده

روس و انگلیس که از اعصار پیشار ما یکدیگر دشمن و رقیب سیاسی بودند ایک با هم طرح بکرمی و بیکه دست احشاق بهم داده بی باکانه آرزوی عروزی خوره را درباره تقسیم خاک مقدس وطن ما علی و آشکار نمودند

ای هموطنان! ای فرزندان ایران! آیا میدانید کدام خاک را میگوئیم؟ خاک مقدس ایران را. که از نخستین روزیکه آئین جهانیان در دنیا استوار گردیده تا امروز که چندین هزار سال است از احشاء نیاکان غیور شما ترکیب و ماخون پاک اجداد غیور شما آیلری و عجب است. دشمنان همین خاک مقدس بدون هیچگونه بهانه و دست آویز و جبران پندانه آغاز بدست اندازی و با دوازی نموده اند ای ایرانیان! مملکت و خاکی که هر وجب از او خوابگاه اسلاف و در هر شبر از او مزار هزاران ازیانان غیور دلاور ماست، امروز جولانگاه تضحیات و لکدکوب اقدام ظالمانه بیگانگان گشته و میگردد. آیا غیرت و حیت فرزندان آنخاک هر مقابل این مظالم ساصکت خواهد ماند و با به ابواز نجابت و ابرایت پرداخته و بسایلیان ثابت خواهند نمود که اخلاف همان اسلافند؟

ای یادگار نیاکان غیور! ای وارثان گذشتگان باحیث! ای فرزندان بهرآنکه مرگ را بر تنگ ترجیح داده و تاکنون تاریخ باکر ام گرامی آنان زیب و فر دارد و مانند کوره و فریدون و نادرها که سرمایه افتخار بشمارد! آیا شایسته و رواست با تحقق آن یستی و اسارتها که قریب الوغوع است امروزه دست و رویم گذاوده و سر بزبانوی تسلیم نموده با کمال ذلالت محض شرافت را در غنچه و

شکستهای بیجه ننماید. آید ایرانیان! اگر نفود را از دل آن بدران با شویکه و نشان می انگارند (بزرگترین نهادن طوق بندگی دشمنان را بسطود عموار و همه و با کمال بی مروتی تی. به تقسیم وطن منحصراً در طاعه و رضا مجربین زندگان قوم با مذلت و خلوی گفته و شکستهای بیجه خواهد نمود؟ نه والله. جنایت بدنام یک عبورته از عجاایز ابوانی تی مذین شک در نخواهد داد. و همی با آواز رسا خفاقاً خواهد سرود

بنا سرده بنام به که شد زنده به تنگ
آه آه! افروس و صد افروین!! که آواز محیف
مادر وطن که با کمال حزن و اندوه و بادرون
بر خون از غفلت فرزندان بوسه و افغان بهناید
گوش عالیان را کر نموده ولی در گوش فرزندان
او آوری نمی بخشد

اینک نموده استعمارهای نیاکان غیور و بدران
جسور با یک جهان فتنه خاندان. تا طلب فرزندان
خوره را مخاطب ساخته و میگویند
ای اخلاف و حیت، آیا نمیخواهید بیاد آورید
که این خاک مقدس مرقد پاک بدران رشید و یادگار
اخلاق است که هنگامیکه بشما سپرد و رفتند کواکب
استقلالش در وسطالهام جلالت درخشنده و تاملان
و بر تو شرف و عزتیش روشنی بخش دیده جهانیان
و کوس عظمتش در جهات گویان و آبادی و
معموریتش مضبوط طالبان بود

آیا چه گردید وجه بلا و فَلَکَت بر او وارد
آوردید که شوکت جهان پندانه و قدرت استیلا
کارانه او را دچار ویرانی و ضعف و تلاوالات
شرف و عزت طمانش را بدل بتاریکی و آوازه
صکوس جلالتش را بدل به صحت و خونگی و
افتخار ساکنینش را مبدل بشرمساری و خفت و
سرافکنندگی کردید؟

آیا چگونه ارکان استقلال و عظمت و سعادتش
را که در منها درجه استحکام بود متزلزل ساختند
و بیک بختی و سعادت خود را بدل به بدبختی و
نکبت نمودید؟
آیا بازم این فتنارها شایان متنبه نموده و بفرود
نخستین آمدند و آمدند و افکن و طغیان و طغیان